

لا لابی

در فرهنگ مردم ایران

ابراهیم جمالی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لالایی‌ها در فرهنگ مردم ایران

ابراهیم جمالی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	بخش اول: کلیات.....
۱.....	مقدمه.....
۲.....	طرح مسأله.....
۳.....	اهمیت و ضرورت گردآوری لایه‌ها.....
۴.....	پیشینه پژوهش.....
۵.....	اهداف پژوهش.....
۵.....	مبانی نظری.....
۶.....	روش‌شناسی.....
۹.....	بخش دوم: یافته‌های پژوهش.....
۱۳.....	ساختار و قالب لایه‌ها.....
۱۶.....	ساختار معنایی و مضمون لایه‌های نواحی مختلف.....
۲۰.....	عناصر اصلی تشکیل‌دهنده لایه‌ها.....
۲۱.....	کارکردها و نقش لایه‌ها در فراگرد اجتماعی شدن.....
۲۳.....	بخش سوم: مجموعه‌ای از لایه‌های مناطق مختلف ایران.....
۸۷.....	منابع.....
۸۷.....	نتیجه.....
۹۱.....	فرهنگ‌یاران.....

چکیده

کتاب حاضر پژوهشی است با رویکردی مردم‌شناختی که به مطالعه لایلی‌های نواحی مختلف ایران پرداخته است. دسته‌بندی لایلی‌های نواحی مختلف کشور، مطالعه ساختارهای ادبی رایج در این مناطق و نیز تبلور آداب و رسوم محلی و تأثیر جغرافیا و محیط طبیعی در لایلی‌ها از عمده موضوعات مورد بررسی این اثر می‌باشد که در کنار آن جهت آسان‌تر شدن خواندن لایلی‌ها از الفبای آوانگاری استفاده شده است که کلید الفبای مربوط نیز ضمیمه می‌باشد.

بخش اول

کلیات

مقدمه

در ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه، ترانه‌ها جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، ترانه‌هایی که آفریده ذهنی توده مردم بوده، در میان آنان شکل گرفته، به کمال رسیده و مطابق با فرهنگ‌ها، اقوام، زبان‌ها و متناسب با شرایط اجتماعی دگرگونی‌هایی را پذیرفته‌اند. «از ویژگی‌های ترانه‌های عامیانه، سادگی بیان و روانی کلام است به نحوی که برای درک آن نیازی به تأمل نیست و به آسانی قابل فهم است، شاید بتوان سادگی و کوتاهی ترانه را به نوعی با ارزش وقت در جامعه روستایی مربوط دانست ... و البته واقعگرایی را نیز از ویژگی‌های ترانه‌های عامیانه باید دانست» (سادات اشکوری؛ ۶۴، ۱۳۷۷). لالایی‌ها، بخش قابل توجهی از این ترانه‌ها را تشکیل می‌دهند که با طبیعت و زندگی مردم پیوندی وثیق یافته و در عین حال نشان‌دهنده ابعاد مختلف فرهنگ جوامع می‌باشد. گستردگی این ابعاد در ترانه‌های ملی سرزمین ما، ضرورت گردآوری، طبقه‌بندی و معرفی آنها را ایجاب می‌نماید که پژوهشگران عرصه فرهنگ مردم و نیز مردم‌شناسان آن را مورد توجه قرار داده‌اند. حاصل پژوهش‌های مذکور در حوزه فرهنگ عامه؛ گردآوری، طبقه‌بندی و تدوین مقالات، کتب و مجموعه‌های ارزشمندی است که تا کنون فراهم آمده است و چه بسیار بوده‌اند پژوهشگرانی که سالیان دراز عمر خود را صرف این راه نموده‌اند. این مختصر نیز تلاش دارد در حد بضاعت به معرفی بخشی از لالایی‌های گردآوری‌شده این سرزمین بپردازد. به همین جهت اسناد مربوط به لالایی‌های ارسال شده طی سالیان متمادی

توسط فرهنگ‌یاران و علاقه‌مندان فرهنگ عامه در گروه فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران دستمایه اصلی این اثر قرار گرفته است و در عین حال نیز تلاش شده است تا با استفاده از سایر منابع موجود کمبودها و نقایص لالایی‌های گردآوری شده تا اندازه‌ای برطرف گردد تا مجموعه‌ای از بهترین لالایی‌های نواحی مختلف کشور طبقه‌بندی و معرفی گردد.

در همین راستا، تلاش شده است تا علاوه بر لالایی‌ها، آوانگاری و در صورت لزوم ترجمه فارسی آنها نیز ارائه گردد. در پایان جا دارد از راهنمایی‌های استاد ارجمند جناب آقای عسگری خانقاه و نیز همکاری کارشناسان محترم آرشیو فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران که بخشی از فیش‌های این اثر را جمع‌آوری نموده‌اند تشکر و قدردانی نمایم.

طرح مسأله

در مردم‌شناسی ترانه‌ها را از دو جهت می‌توان بررسی کرد. توجه به جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ، ضرورت گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل ترانه‌ها ایجاب می‌نماید که در کنار آن به ساختار ادبی ترانه‌ها نیز توجه شود چرا که فرهنگ زبانی و ذوقی اقوام همراه با رویدادها و تحولات اجتماعی روند تغییرات خود را دنبال می‌کند.

«مردم‌شناسی تأثیر عناصر فرهنگ مادی را، در ترانه‌ها، همپای تأثیر فرهنگ معنوی آن می‌شناسد و شاید ضرورت علمی کار که همانا طبیعت و انسان، انسان و ابزار تولید است، ایجاب کند که بررسی فرهنگ مادی، اساس کار در روی ترانه‌ها باشد» (مهین‌دوست؛ ۱۰، ۱۳۸۰) مواردی نظیر؛ پوشاک، خوراک، مسکن، کار و ازدواج در بسیاری از لالایی‌های ایرانی نشان‌دهنده تأثیر عناصر مادی بر لالایی‌هاست که در کنار آن عناصر معنوی نظیر؛ مذهب، بی‌وفایی دنیا، وصل و هجر، غربت، تقدیر، مناعت طبع و... با لفظی ساده و متأثر از محیط زیست و نوع زندگی با دردهای مردم تجلی یافته است.

در این مختصر نیز سعی شده است تا با گردآوری و معرفی لالایی‌های نواحی مختلف کشور این ابعاد و رابطه میان آنها مورد واکاوی قرار گیرد.

در واقع مطالعه لایایی‌های نواحی مختلف از جنبه‌های فوق‌الذکر برای نشان دادن جایگاه آنها در فرهنگ ایرانی مسأله اصلی این اثر بوده که با استفاده از رویکردهای مردم‌شناسی انجام شده است؛ در عین حال اذعان می‌گردد که از جهات مختلف دارای نقائصی می‌باشد. دسترسی نداشتن به منابع دست اول و نیز داده‌های میدانی و اتکا بر تعداد اندکی از لایایی‌های ارسال شده توسط فرهنگ‌یاران برخی از مواردی است که این مجموعه را تنها به عنوان نقطه شروعی برای کارهای دیگر در این زمینه می‌نمایاند و امیدوارم که پژوهشگران و علاقه‌مندان ضمن برطرف کردن ایرادهای این مختصر کارهای بهتری در این حوزه به ثمر برسانند.

اهمیت و ضرورت گردآوری لایایی‌ها

لایایی‌ها مانند دیگر انواع ترانه، آئینه تمام‌نمای بسیاری از تحولات اجتماعی هستند که بسیاری از آمال و آرزوهای افراد جامعه و بالاخص مادران در آنها انعکاس پیدا کرده است. اندکی دقت در محتوای آنها تغییرات اجتماعی دوره‌های مختلف را به سادگی نشان می‌دهد. در جوامع پیچیده امروزی که با سرعتی سرسام‌آور در حال دگرگونی می‌باشند بسیاری از روابط اجتماعی، آداب و رسوم و اعتقادات مردم و ترانه‌ها به عنوان بخشی از حاملین این مفاهیم یا فراموش می‌گردند یا دست کم تغییراتی را می‌پذیرند. لایایی‌ها نیز دچار چنین سرنوشتی بوده و از دو جهت نیازمند گردآوری و مطالعه می‌باشند. نخست از آن جهت که تحت تأثیر مدرنیسم لجام‌گسیخته امروزی به بوته فراموشی و نابودی سپرده نشوند و دیگر اینکه با جمع‌آوری آنها بخش‌های دیگری از فرهنگ مادی و معنوی جامعه گردآوری و محافظت خواهد شد. شاید بی‌راه نباشد اگر که فکر کنیم آنها می‌توانند پرکننده بسیاری از خلأهایی باشند که در جوامع مدرن امروزی به وجود آمده است؛ دنیایی که هرآنچه سنتی و قدیمی است را نابود می‌کند و چیزی جز پدیده‌های وارداتی ناهمگون و ناسازگار جایگزین آن نمی‌کند. بر همین اساس است که پژوهشگران عرصه‌های مختلف فرهنگ عامه گردآوری و معرفی بخش‌های مختلف آن را وجهه همت خود قرار داده‌اند. از این روست که لایایی‌ها به عنوان بخش قابل توجهی از ترانه‌های ملی و محلی سرزمین ما شایسته چنین کاری می‌باشند.

پیشینه پژوهش

پیشینه گردآوری و بررسی لایایی‌ها مانند سایر بخش‌های دیگر ادبیات شفاهی و فرهنگ عامه دارای قدمت چندانی نمی‌باشد. بی‌راه نیست اگر نخستین گردآوری‌های علمی در این زمینه را چنان که گفته می‌شود با طرح مباحث **صادق هدایت** پیرامون فرهنگ عامه همزمان بدانیم که بعد از آن در طول دهه‌های اخیر کنکاش برای گردآوری ادبیات عامیانه همراه با افت و خیزهای خود ادامه یافته است.

پرداختن به لایایی‌ها در گردآوری ترانه‌ها و به موازات آنها ادامه یافته است و شاهد به ثمر رسیدن برخی مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه هستیم؛ منابعی که گاه به طور مستقل به لایایی‌ها پرداخته‌اند و یا مانند برخی از منابع دیگر، در بخش‌هایی به گردآوری و معرفی لایایی‌ها پرداخته‌اند. در مورد منابع دسته نخست می‌توان به انواع مقالات چاپ‌شده و یا لایایی‌های گردآوری‌شده در مجلات طی دهه‌های متمادی اشاره کرد که نمونه‌های برجسته‌ای از آنها در کتاب *هفته قابل مشاهده می‌باشند*. نمونه‌های دیگری از این دست نیز قابل ذکراند که از آن جمله می‌توان به «جستاری درباره لایایی‌ها» از **قدمعلی سرامی** و یا «تاریخچه و سرگذشت لایایی در زبان‌ها و لهجه‌ها و گویش‌ها» از **تیمور گورگین** اشاره کرد. در کنار این دسته تعداد قابل توجهی از منابع موجود است که در آنها به گردآوری ترانه‌های عامیانه پرداخته شده است و لایایی‌ها به عنوان بخشی از آن مورد توجه قرار گرفته‌اند منابعی نظیر نوشته‌های پراکنده، ترانه‌های عامیانه و یا ترانه و ترانه‌سرایی در ایران از این دست می‌باشند. بسیاری از مردم‌نگاری‌ها و مطالعات مردم‌شناختی از جمله این موارد می‌باشند که به جهت اطناب موضوع از ارائه فهرست آنها خودداری نموده و در صورت استفاده از آنها در جای مقتضی ارجاع داده می‌شود.

در کنار منابعی که به طور کلی به آنها اشاره شد اسناد موجود در آرشیو واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران به عنوان منابع اصلی و داده‌های مورد استناد در این اثر می‌باشند که مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است و در واقع استفاده از سایر منابع و مطالعات انجام‌شده برای تکمیل و رفع نقائص موجود در این اسناد صورت گرفته است.

اهداف پژوهش

هدف عمده پژوهش حاضر گردآوری و دسته‌بندی بخشی از لایایی‌های ایرانی است که با بررسی آنها سعی در نشان دادن وجوهی از باورها، اعتقادات و سبک زندگی مردم کشورمان خواهیم داشت. در این مطالعه به بررسی و معرفی عناصر مادی و معنوی فرهنگ ایرانی متبلور در لایایی‌ها پرداخته و با نشان دادن روابط میان لایایی‌های نواحی مختلف کشور و روابط متقابل آنها با اقلیم و طبیعت مناطق مختلف نقش و کارکرد آنها را در جامعه‌پذیری و نیز تداوم فرهنگ ایرانی به نمایش خواهیم گذاشت.

موارد یادشده به وسیله دسته‌بندی و معرفی بهترین لایایی‌های حوزه‌های مختلف فرهنگ ایرانی صورت گرفته و زمینه‌های استفاده از آنها در ساخت برنامه‌های مختلف صداوسیما فراهم می‌گردد که یکی از مهمترین اهداف انجام این پژوهش می‌باشد تا با معرفی هر چه بهتر فرهنگ ایرانی در برنامه‌های صداوسیما به تقویت همبستگی و انسجام فرهنگی بیشتر بیانجامد.

مبانی نظری

ترانه‌های کودکان در ادبیات عامه دارای تنوع قابل توجهی از مضامین شاد و آموزنده می‌باشد که در تقسیم‌بندی کلی آنها، لایایی‌ها به عنوان یکی از محورهای اصلی و مهم در نظر گرفته می‌شوند. لایایی‌ها مانند سایر ترانه‌های کودکان با برخورداری از پتانسیل‌های فرهنگی ویژه‌ای که با مهارت در آنها تعبیه شده، نقش به‌سزایی در اجتماعی کردن افراد جامعه بر عهده دارند؛ چرا که نخستین آموزه‌های فرهنگی در فراگرد جامعه‌پذیری به وسیله آنها انتقال می‌یابد. در واقع بخش مهمی از آموزش و پرورش غیررسمی جامعه را در نخستین سال‌ها بر عهده داشته و از همین روست که «این مجموعه به خواب کردن، یا سرگرم ساختن کودک محدود نمی‌شود، بلکه در پرورش ذوقیات، عواطف و درک مفاهیم و تحریک و تشحیذ استعداد و خلاقیت او سهم اصلی را بر عهده دارد» (پناهی سمناوی؛ ۱۷۵، ۱۳۷۶).

علاوه بر نقش لایایی‌ها در انتقال مفاهیم فرهنگی به نسل‌های مختلف می‌توان ابعاد مختلف فرهنگ مادی و معنوی را نیز که متناسب با شرایط مختلف اجتماعی و فرهنگی در لایایی‌ها متبلور می‌گردد مشاهده کرد که نشان‌دهنده انواعی از ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی

جوامع قومی و روستایی مختلف کشورمان می‌باشد. ضرورت پرداختن به این ابعاد لایایی‌ها که در شکل‌گیری هویت فرهنگی جامعه مبتنی بر زبان و نقش آن در فرآیند اجتماعی شدن مورد توجه پژوهشگران بوده و بسیاری در این زمینه معتقدند جوامع اندوخته‌های زبانی و فرهنگی خود را از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌دهند که در فرهنگ ایران لایایی‌ها یکی از مهمترین این مراحل را بر عهده دارند و به نوعی شاید موثرترین عامل در شکل‌دهی زیرساخت این فراگرد هویت‌یابی باشند که در این پژوهش بررسی خواهند شد.

در واقع با پیگیری مباحث مطروحه فوق به دنبال یافتن پاسخ‌هایی مناسب برای سؤالات پژوهش خواهیم بود که عبارتند از:

۱. عناصر اصلی موجود در لایایی‌های نواحی مختلف کشور چیست؟
۲. وجوه تشابه و تفاوت لایایی‌های نواحی مختلف به چه صورتی است؟
۳. شاخص‌ترین لایایی‌های نواحی مختلف کدام بوده و دربردارنده چه عناصری می‌باشند؟
۴. نقش و کارکرد لایایی‌ها در شکل‌دهی شخصیت افراد جامعه چگونه است؟

روش‌شناسی

این پژوهش بنا بر ضرورت و با توجه به موضوع با استفاده از روش‌های اسنادی انجام گرفته است. اسناد مورد بررسی که با استفاده از فن فیش‌نویسی مطالعه و دسته‌بندی گردیده‌اند را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱. اسناد گردآوری‌شده موجود در آرشیو فرهنگ مردم مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی که طی چندین مرحله و با کمک کارشناسان گروه فرهنگ مردم فیش‌نویسی شده‌اند.
۲. کتاب‌ها، مجلات و پژوهش‌های انجام‌شده که نگارنده پس از گردآوری فیش‌های گروه نخست مورد توجه قرار داده است. در واقع استفاده از منابع دسته دوم برای جبران کمبودهای دسته نخست صورت گرفته تا با جمع‌آوری لایایی‌های بیشتری از نواحی مختلف به تصویر دقیق‌تری از موضوع دست پیدا کنیم. علیرغم تلاشی که در این زمینه صورت گرفته باید اذعان نمایم که لایایی‌های مورد استفاده در تدوین این اثر تنها بخش کوچکی از لایایی‌های ایرانی هستند که دسته‌بندی و مطالعه آنها به استخراج مفاد و محتوای این پژوهش انجامیده است و در

همین دایره تنگ بوده است که لایه‌های شاخص مناطق مختلف نیز انتخاب گردیده است. از این رو تأکید می‌شود که برای تدوین آثار دقیق‌تر علمی ضمن استفاده از این منابع نیازمند گردآوری اطلاعات میدانی در این زمینه هستیم. امیدواریم که پژوهشگران ارجمند این حوزه بدان همت گماشته و هر چه زودتر شاهد به ثمر نشستن آرزوی دیرینه چاپ منابع و کتاب‌های قابل توجهی در این زمینه باشیم.

بخش دوم

یافته‌های پژوهش

«قدمت لالایی به عنوان نخستین آوازی که به گوش کودک می‌خورد بسیار دیرپا بوده و در فرهنگ ملل گوناگون با عناوینی همچون، لالایی، لای لای، لالا، لالای، لولو، لالبی، نی‌نا، بوبو، دودو و غیره یاد شده است» (پناهی سمنانی؛ ۱۳۷۲، ۱۷۶). در عین حال به نظر می‌رسد لالایی‌ها دارای انواعی از تعلقات بومی بوده که از سوی دیگر تشابهات فراوانی نیز با هم دارند که حاکی از سرنوشت مشترک آنها می‌باشد؛ سرنوشتی که در عین حال موجب شکل‌گیری تفاوت‌های میان آنان نیز گردیده است و از همین روست که دگرگونی، تحول، اشاعه و یا کوچ لالایی‌ها مورد توجه پژوهشگران می‌باشد.

تکرار برخی لالایی‌های روایی و یا دیگر اشکال آن در نواحی مختلف کشور بازتاباننده رنگ و بو و مختصات جغرافیایی و فرهنگی مناطق مختلف در بافت لالایی‌هاست که نشان‌دهنده نوعی سفر، گردش و اشاعه لالایی‌ها در میان مردم نواحی مختلف کشور می‌باشد؛ لالایی‌هایی که با ورود به مناطق مختلف شاخص‌های جغرافیایی و فرهنگی مناطق مختلف را با یکدیگر جایگزین و بعضاً تلفیق نموده‌اند.

بر همین اساس است که بسیاری از لالایی‌های ایرانی با اندکی تغییر در جای جای کشور حضور داشته و علیرغم وجود تفاوت‌ها دارای وجوه مشترک فراوانی می‌باشند؛ موضوعی که نشان‌دهنده جایگزینی شاخص‌های بومی از طریق جابجایی و کوچ لالایی‌ها است و عمدتاً با جابجایی افراد و سفرهای آنان صورت گرفته است مواردی نظیر سفر به قصد تنوع و سیاحت،

سوداگری، جنگ، بردگی، ازدواج و یا مهاجرت‌های اجباری زمینه‌های کوچ لالایی‌ها را در طول زمان فراهم نموده است.

تکرار قابل توجه لالایی‌ها در مناطق مختلف بیانگر وجود چنین روابطی میان بخش‌های مختلف جامعه می‌باشد که با مطالعات تطبیقی می‌توان مسیرهای کوچ و حرکت این لالایی‌ها را نیز نمایش داد. برای نمونه یک لالایی روایی که در اقصی نقاط کشور با اندکی تغییرات خوانده می‌شود مثال خوبی برای نشان دادن کوچ لالایی‌ها در ایران می‌باشد؛ لالایی‌ای که حکایت روابط دختر با نامادری و دور افتادن او را بیان می‌کند و با توجه به مناطق مختلف رنگ و بوی خاص خود را داشته و دلایل متفاوتی برای آنچه که اتفاق افتاده ذکر می‌گردد. این لالایی با اندکی تغییر در جزئیات و پذیرفتن برخی مشخصات بومی در مناطق مختلف با حفظ شاکله اصلی تکرار می‌شود که نمونه‌های چندی از آن ذکر می‌گردد:

آلا، لای لای، ننه نسرین
 مرا زدی باچوپ دستی
 بیرون کردی در بستی
 منم رفتم به قبرستان
 دو ترک آمد زکردستان
 مرا بردن به هندوستان
 چهل قاطر چهارم داد
 چهل خنچه لباسم داد
 خدا داده دومه پاره
 ملک محمد به گهواره
 اشرف سلطان می‌جنبانه
 بیا دایه، برو دایه
 بیاور تشت و آفتابه
 بشورم روی مهپاره

که مهپاره خداداده

مریم خالقی، قزوین، ۱۳۷۴

و یا

غلط کردم چه بدکردم

دوتا گردو طلب کردم

مرا از خونه در کردند

سر قبرت گذر کردم

برفتم بر سر سنگی

بدیدم ترکمن رنگی

که ترک امد ز ترکستون

مرا بردند به ترکستون

عروس کردند سر دستون

ننه لالا، ننه لالا

پسر دارم به گهواره

دختر دارم که هف ساله

سرم چیت و قلمکاره

ننه لالا، ننه لالا

پسر دارم علی سلطون

دختر دارم فاطمه سلطون

ننه لالا، ننه لالا

حسین ژرفی‌فر، سنگسر، ۱۳۴۸

و یا حکایتی دیگر از همین داستان

گدا اومد در خونه

به او دادم کمی دونه

خوخور دو مار بیگانه
مرا در کردی از خانه
توکافر دل به چوب دستی
درم کردی در بستی
منم رفتم به قبرستان
بنا کردم به خاکپاشان
دو ترک امد ز کردستان
مرا بردند به ترکستان
به صد مجموعه دیوانی
به صد قالی کرمانی
جهاز دادن مرا آنان
عروسم کرده چون شاهان
خدا دادم سه تا سلطان
تو هم هستی قمر سلطان
حسن سلطان به صحرایه
حسین سلطان به ملایه
قمر سلطان چو مهپاره
لالا کرده تو گهواره
که گهواره‌اش طلا کاره
که روپوشش قلمکاره
بیا دایه مکن لابه
بیاور تشت و آفتابه
زن بابا خوشت باشه
نصیب دخترت باشه

علاوه بر موارد ذکرشده، لالایی فوق در مناطق دیگری نظیر فارس، اصفهان، یزد، کرمان، خراسان و... نیز با تفاوت‌های جزئی به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده نوعی تبادل فرهنگی از طریق کوچ ترانه یا لالایی می‌باشد و نمونه‌ها و مصادیق دیگر در میان لالایی‌ها قابل توجه است.

ساختار و قالب لالایی‌ها

وزن و موسیقی از ویژگی‌های برجسته لالایی‌های ایرانی است زیرا عمدتاً دارای وزن و قافیه بوده و از تکرار مصراع‌هایی کوتاه، موزون و مقفی به وجود آمده و انواعی از قالب‌هایی متنوع و متعدد را به خود گرفته‌اند که به نظر می‌رسد دوییتی پرکاربردترین این قالب‌ها باشد. علاوه بر دوییتی انواع دیگری از قالب‌های تشکیل‌دهنده لالایی‌ها نیز به چشم می‌خورند که علیرغم تنوع اوزان و ماهیت خاص می‌توان آنها را با اندکی تسامح در قالب‌های مشهور و معمول شعر رسمی گنجانند. از جمله این گونه موارد می‌توان به برخی تکبیت‌های مثنوی‌گونه و یا ترکیباتی فرد از مصاریع اشاره کرد که عمدتاً از تکرار پایه مفاعیلن و در مصراع‌های متوالی به وجود آمده‌اند.

با کنار هم قرار گرفتن تکبیت‌ها که واحدهای مستقل و مجزایی می‌باشند گاهی شاهد شکل‌گیری لالایی‌های بلند در قالب مثنوی‌گونه‌هایی هستیم که بعضاً با اضافه شدن برخی لالایی‌های سه مصراعی یا پنج مصراعی شاهد ادغام انواعی از قالب‌های مشخص با هم می‌باشیم. وجود ساختارهای عمودی چندگانه در برخی لالایی‌های مناطق مختلف پیامد چنین ادغامی است که با سادگی هر چه تمام‌تر انجام پذیرفته است. بدین ترتیب باید اذعان کنیم که برخی قالب‌های پرکاربرد در لالایی‌های نواحی مختلف وجود دارد؛ از جمله تکبیت‌ها، دوییتی‌ها، مثنوی‌گونه‌ها، سه مصراعی و پنج مصراعی و... که ویژگی مشترک در تمام این انواع عبارتند از: «وزن‌های شاد و مطبوع و اغلب ریتمیک بحرهای کوتاه، سادگی بیان، استفاده از واژه‌ها، اصطلاحات و نام‌های مأنوس برای کودک» (همو، ۱۷۶).

دوییتی

لالا، لالا عزیز کبک مستم

میون کبک‌ها دل بر تو بستم
تموم کبک‌ها رفتن به بازی
من بیچاره پابند تو هستم

کرامت... سرخوش، شیراز، ۱۳۴۶

مثنوی

اولا، لالا گل خشخاش
بابات رفته خدا همراهش
بابات رفته به گل چینی
می‌آره قند و دارچینی
که دارچینی گرون کردند
دل رو ژم به خون کردند

مجید امینایی، کرمان، ۱۳۴۷

سه مصراعی یا سه خشتی
لالا، لای لای، گل پسته
آقات آمد کمر بسته
آورده از برات پسته

توران مافی، قزوین، ۱۳۴۸

پنج مصراعی یا پنج خشتی

/lâ lâ, lâ lâ , me nâzanine/
/gare vamme jâne širine/
/tere ši deme men pâzebâre/
/râhi komme sisad sevâre/
/kejeke dâey jân te jelodâre/
قربانعلی قربانی، آمل، بی‌تا

لالا، لالا، مه نازنین
گره ومه جان شیرین
تر شی دمه من پازبار
راهی کمه سیصد سوار
کجکه دایی جان ته جلودار

پنج خشتی ممکن است مانند نمونه بالا ترکیبی از یک تک‌بیت و یک سه خشتی باشد و یا برعکس ابتدا سه خشتی و سپس تک بیت باشد یا اینکه اساساً از پنج مصراع هم قافیه تشکیل شده باشد که می‌تواند نوعی مخمس باشد. موارد دیگری از لالایی‌ها دیده می‌شود که از تعداد مصاریع فرد بیشتر تشکیل شده و ترکیبی از دوبیتی و سه خشتی یا دوبیتی و پنج خشتی و... می‌باشد. در همین راستا، نکته قابل ذکر دیگر تبعیت نداشتن بسیاری از لالایی‌ها از قواعد و الزامات شعری است. نقصی که ناشی از مهارت نداشتن سرایندگان آنها بوده و با به‌کارگیری و استفاده از ریتم‌های خاص در خواندن آنها تا اندازه‌ای برطرف می‌گردد.

/lâlây, lây lây gole zire/	لالایی، لای لای گل زیره
/bovât rafte xormoj zan begire/	بوات رفته خورموج زن بگیره
/dele dit jâ nemigire/	دل دیت جا نمی‌گیره
/agar mesle xome dâqeš nabine/	اگر مثل خومه داغش نبینه
/agar be az xome rageš bešine/	اگر به از خومه رگش بشینه
بی‌نام، بی‌جا، بی‌تا	

در واقع اهمیت بعد موسیقایی لالایی‌هاست که در چنین مواردی بیشتر خودنمایی کرده و تا اندازه‌ای نقائص آن را پوشانده و یا تحت‌الشعاع قرار می‌دهد البته این ویژگی در لالایی‌های فاقد این نقص جایگاه خود را داشته و از حیث مطبوع‌تر شدن آنها نقش به‌سزایی دارد. به عبارت دیگر ویژگی موسیقایی که در ذات لالایی نهفته است اهمیتی فراتر از این داشته و به قولی شاید «اساسی‌ترین وجه تمایز این نوع قالب شعری با صورت‌های دیگر آن باشد» (مقدسی، ۱۵۹، ۱۳۸۳).

به طور خلاصه علاوه بر کارکرد بعد موسیقایی لالایی‌ها در خواباندن کودک که با استفاده از ملودی‌های ساده و رمانتیک صورت می‌گیرد، ریتم موجب دل‌نشینی هرچه بیشتر لالایی گردیده و بسیاری از ضعف‌های ساختار شعری را نیز جبران می‌نماید.

ساختار معنایی و مضمون لالایی‌های نواحی مختلف

لالایی‌ها، دارای مفاهیم ساده بوده و بیشتر متأثر از طبیعت و محیط پیرامون می‌باشند که این امر در لالایی‌های نواحی مختلف کشور به روشنی پیدا بوده و زمینه‌های تفاوت میان آنها را فراهم می‌نماید. جنبه‌های عاطفی و روانی لالایی‌ها نیز پررنگ بوده و تا اندازه زیادی در ایجاد و استمرار ارتباط میان کودک و مادر در محیط اجتماعی ایفای نقش می‌نماید. مضامین و عناصر اصلی به‌کاررفته در لالایی‌های ایرانی بسیار متنوع و گوناگون می‌باشد که به طور کلی می‌توان آنها را در چند دسته طبقه‌بندی نمود که رئوس مضامین مهم این دسته‌بندی‌ها عبارتند از:

۱. بیان گلایه‌ها و دردها، شکایت از فراق و جدایی، ناملایمات روزگار و سختی معیشت و ... مضامین اصلی دسته‌ای از لالایی‌های نواحی مختلف کشور را تشکیل می‌دهد که بیشتر حدیث نفس مادران و یا به قولی بهتر سرآیندگان و اجراکنندگان لالایی‌هاست. شکایت از دوری همسر یا فرزند، گلایه از بی‌وفایی، فقر و تنگدستی، غریبی و غم غربت برخی از مضامین به کار رفته در این دسته از لالایی‌هاست که نمونه‌هایی از آن را با هم مرور می‌کنیم.

/olâ, lâây, gole âlou/	اولا، لالای، گل آلو
/azizom, masto xâbâlou/	عزیزم، مست و خواب‌آلو
/bexâb jounom, bokon lââ/	بخواب جونم، بکن لالا
/be qorbat miravi farad/	به غربت می‌روی فردا
مجید امینیانی، کرمان، ۱۳۴۷	

/nane lââ, nane lââ ,nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/mione sad javoun šâdom nakardi/	میون صد جوون شادم نکردی
/do angošt kâqazo yadom nakardi/	دو انگشت کاغذ و یادم نکردی
/magar šahre šomâ kâqaz geroune/	مگر شهر شما کاغذ گرونه
/morakab dar qalamdoun zafarune/	مرکب در قلمدون زعفرونه
/nane lââ, nane lââ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا

/morakab gar naboud ba barge nârang/

مرکب گر نبود با برگ نارنج

/magar didâr mâ bar mâ haroume/

مگر دیدار ما بر ما حرومه

/nane lââ, nane lââ, nane lâ/

ننه لالا، ننه لالا، ننه لا

حبیب!... حبیب کاظمی، دماوند، ۱۳۴۷

لالا، لالا گل ریحان

بابات رفته سوی تهران

از اینجا تا به تهران لاله کاشتم

میان لاله‌ها سیبی گذاشتم

میان لاله‌ها سیب خلیلی

همه رو به وطن من در غریبی

عباس صفری، محلات، بی تا

۲. دسته دیگری از لالایی‌های نواحی مختلف را می‌توان در نظر گرفت که بیشتر در بردارنده مضامینی نظیر؛ آرزوها و آمال مادران، سلامتی و تندرستی فرزندان، بزرگ شدن و ازدواج کردن او، رسیدن به جاه و مقام، کسب ثروت، علم و دانش و نیز دعاکردن و قربان صدقه رفتن و تشبیه فرزندان به مصادیق زیبایی و... است. ناگفته پیداست که گل‌ها عمده‌ترین مصداق زیبایی در لالایی‌های ایرانی هستند که در تمام نواحی کشور مورد توجه بوده و شاید یکی از ارکان اساسی لالایی‌ها را تشکیل می‌دهند. چرا که در بسیاری از موارد حسن مطلع و شروع لالایی‌ها با آنها صورت می‌گیرد. فراوانی این دسته از لالایی‌ها بیشتر از سایر انواع آن بوده و حجم عمده لالایی‌های مناطق مختلف کشور را تشکیل می‌دهد که برای نمونه برخی از آنها را در زیر مشاهده می‌کنید:

/lâlâ, lâlâ ke lâlât mikonam man/

لالا، لالا که لالات می‌کنم من

/nega bar qado bâlât mikonam man/

نگاه بر قد و بالات می‌کنم من

/lâlâ, lâlâ ke lâlât bibalâ bo/

لالا، لالا که لالات بی بلا بو

/negahdâre šabo rouzet xodâ bo/

نگهدار شب و روزت خدا بو

بی‌نام، شیراز، بی‌تا

/lâlâ, lâlâ be maktab ro/

لالا، لالا به مکتب رو

/be pâye taxte hazrat ro/

به پای تخت حضرت رو

/agar âqâ befarmâya/

اگر آقا بفرمایه

/to jârokaše gonbad šo/

تو جاروکش گنبد شو

علی‌اکبر صفری‌بنا، مشهد، ۱۳۴۸

/lâlâ lâlâ ali malmal/

لالا لالا علی ململ

/bebandom taxtat az sandal/

بیندم تختت از صندل

/agar alâh kone yâri/

اگر اله کنه یاری

/bebandom taxte dâmâdi/

بیندم تخت دامادی

محمود هلاکویی، بافت، ۱۳۴۹

/lây lây čâllâm oujâdân/

لای لای چالام اوجادان

/suzon galar bâjâdân/

سوزن گلر باجادان

/târi sani sâxlâsin/

تاری سنی ساخلاسین

/čičakdan gezel majâdâân/

چیچکدان قزل مجادان

معنی:

با صدای بلند برات لالایی می‌گوییم

صدا از روزنه‌ها می‌آید

خدا تو را نگه دارد

خدا تو را از آبله و سرخک نگه دارد

و یا

/lâlây čâlâm goinda man/

لالای چالام گونده من

/koilgada san goinda man/

کولگده سن گونده من

/eildo gorbân bir ulsâ/

ایلدو قربان بیر اولسا

/gorbân oulâm goinda man/

قربان اولام گونده من

معنی:

من از هر طلوع برای تو لالایی می‌گویم

تو در سایه هستی و من در آفتابم

اگر قربان در هر سال فقط یکبار است

من هر روز برای تو قربانی می‌شوم.

ایرج امیر خسروی، اردبیل، ۱۳۴۶

۳. دسته دیگری از لالایی‌های ایرانی وجود دارند که دارای مضامینی سیاسی و اجتماعی می‌باشند. بسیاری از لالایی‌های این دسته ساخته و پرداخته شاعرانی هستند که از زمان انقلاب مشروطه به بعد به سرودن لالایی پرداخته‌اند. «شعرای معاصر، به قالب لالایی توجه داشته‌اند و مضامین سیاسی-اجتماعی هم در این چارچوب سرداده‌اند. از شعرای دوران مشروطه، اشرف گیلانی و از گویندگان زمان ما، احمد شاملو، لالایی‌ها ساخته‌اند. از شاعرانی که در گویش محلی شعر ساخته‌اند؛ هه ژار شاعر میهنی‌گرد، لالایی مؤثری به نظم در آورده است» (همو، ۱۷۸). در کنار شاعران برخی افراد عادی جامعه نیز بنا به مقتضای زمان خود به ساختن لالایی‌هایی با مضامین سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند که در لالایی‌های نواحی مختلف کشور قابل توجه می‌باشد.

/lâlâ, lâlâ, gole zire/

لالا، لالا، گل زیره

/mohammad xân be zanjîre/

محمد خان به زنجیره

/abolfat xân nemimire/

ابوالفتح خان نمی‌میره

/ke tâ doniâ qarâr gire/

که تا دنیا قرار گیره

/čerâ xâbet nemigire/

چرا خوابت نمی‌گیره

سودابه ذکایی، کرمان، ۱۳۴۸

و یا این لالایی که به نظر می‌رسد مقارن با اشغال ایران توسط بیگانگان سروده شده و در مناطق مختلفی نظیر اصفهان، سمنان، تهران و... رایج بوده است.

بالام، لای لای، بالام لای لای	ب خواب ای دختر زیبا
بالام، لای لای، بالام لای لای	میان مخمل و دیبا
به روی من مخند امشب	دو چشمانت ببند امشب
به روی من مخند امشب	که می‌بینی گزند امشب
تمام خونه شد ویرون	ب خواب ای دختر نادون
تمام خانه شد ویران	فقط خر مانده با پالان
سلامت از جهان رفته	دیانت از میان رفته
سلامت از جهان رفته	ز غیرت هم نشان رفته
گلم نازی، جونم کیش کیش	ب خواب ای دختر دل ریش
گلم نازی، جونم کیش کیش	مکن گریه، میو پیش پیش
معابد گشته میخانه	مساجد گشته ویرانه
معابد گشته ویرانه	وطن پر شد ز بیگانه

بی‌نام، اصفهان، بی‌تا

عناصر اصلی تشکیل‌دهنده لالایی‌ها

فراوانی و تکرار برخی عناصر مادی و معنوی در لالایی‌های نواحی مختلف ایران نشان‌دهنده‌ی درجه اهمیت این عناصر در جامعه می‌باشد. تنوع قابل توجه عناصر مادی و معنوی در لالایی‌های حوزه‌های فرهنگی مختلف تابعی از محیط طبیعی و اقلیم خاص، شیوه‌های تولید و سبک زندگی مردم می‌باشد. در عین حال بسامد بالای برخی از عناصر غیرمادی در لالایی‌های

نواحی مختلف نشان‌دهنده نوع نگرش‌های مردم و طیف وسیعی از باورها و اعتقادات متنوع آنان در حوزه‌های فرهنگی مختلف است که در عین تفاوت‌ها دارای وجوه مشترک فراوانی نیز بوده و از بستر فرهنگی واحدی نشأت گرفته‌اند.

به طور کلی عناصر مادی با دامنه تکرار زیاد در لایه‌های مناطق مختلف شامل انواعی از گل‌ها، گیاهان و حیوانات و جانوران اهلی و وحشی این مناطق و نیز مفاهیم و ابزار و ادوات مربوط به شیوه تولید اعم از کشاورزی یا دامداری و نیز برخی مشاغل می‌باشد که با توجه به حوزه‌های اقلیمی و جغرافیایی تا اندازه‌ای متفاوت از یکدیگر می‌باشند. در عین حال تنوع در مفاهیم غیرمادی نظیر؛ موجودات غیرانسانی، مفاهیم مذهبی نظیر؛ کلام اله، ائمه علیه السلام، خدا، پیامبر، زکات، جهنم در کنار مشخصات مادی بارز در لایه‌های مناطق مختلف ارائه‌دهنده تصویری روشن از حوزه‌های فرهنگی مختلف می‌باشد که از لایه‌های قابل مشاهده است. برخی عناصر دیگری نیز در لایه‌های ایرانی دارای تکرار قابل توجه می‌باشند که به نوعی نشان‌دهنده جایگاه و منزلت نظام خویشاوندی و خانواده هستند. عناصری نظیر؛ بابا، ننه، دادا، کاکا، کنیز، دایه، برادر، دختر عمو، عمه، خاله، دایی از جمله این موارد می‌باشند.

در کنار این دسته از عناصر شاهد ظهور و بروز برخی مفاهیم اقتصادی و اشیاء ذی‌قیمت نظیر جواهرات و کالاهای باارزش مثل طلا، نقره، دُر، مروارید، ململ، صندل، مخمل، دستبند، گلوبند و... می‌باشیم که نشان‌دهنده درجه اهمیت آنها در فرهنگ نواحی مختلف کشور است که این تفاوت‌های معنادار را در نمونه‌های انتخاب‌شده از لایه‌ها مناطق مختلف کشور می‌توان ملاحظه کرد.

کارکردها و نقش لایه‌ها در فراگرد اجتماعی شدن

ماندگاری و انتقال مداوم لایه‌ها از نسلی به نسل دیگر نشان‌دهنده اهمیت کارکردی آنها در طول تاریخ جامعه ما می‌باشد که البته با تغییرات فرهنگی شکل گرفته در دوره‌های متأخر تا اندازه زیادی اهمیت و ضرورت‌های کارکردی خود را از دست داده‌اند و بسیاری از وظایف و نقش‌های کلیدی آنها در فراگرد اجتماعی کردن کودکان بر عهده نهادهای ثانویه و دیگر سازمان‌های مدرن و مؤسسات جدید نهاده شده است.

از جمله کارکردهای آشکار و بارز لالایی‌ها ایجاد آرامش با تکرار مداوم ریتم‌های خوشایند است که زمینه‌های خواب رفتن و یا آموزش‌پذیری کودکان را فراهم می‌نماید که توجه به این بعد از لالایی‌ها در هر دو حالت نام برده شده دارای اهمیت می‌باشد. از طرفی دیگر کارکرد پنهان دیگر لالایی‌ها در راستای موارد یادشده فرصت منحصر به فردی است که به مادران داده می‌شود تا با واگو کردن دردها، رنج‌ها و آرزوهای خود تا اندازه زیادی از فشارها و تألمات روحی و روانی آنها کاسته گردد که کمتر به این بعد از کارکردهای لالایی‌ها توجه شده است. کارکرد مهم دیگری که برای لالایی‌ها می‌توان در نظر گرفت یادگیری واژگان و فراگرد زبان‌آموزی است که با تکرار مداوم لالایی‌ها و کلمات و مفاهیم به کاررفته در آنها زمینه‌های یادگیری و در فاز دیگر انتقال بسیاری از معانی، مفاهیم و ارزش‌های جامعه به کودکان فراهم می‌گردد. در واقع توجه به بعد ارزش‌ها و آموزش آنها در طول نخستین سال‌های زندگی آنها به شیوه‌ای غیرمستقیم ضمن فراهم کردن زمینه‌های اجتماعی شدن بهتر کودکان حکایت از نوعی هوشمندی در امر تعلیم و تربیت جامعه ایرانی دارد که باید مورد توجه و بازنگری قرار گیرد؛ امری که امروزه به عنوان یکی از وظایف اصلی نهاد خانواده کمتر جدی گرفته شده و نهادهای ثانویه مانند: مهدکودک‌ها، آمادگی‌ها، مدارس و وسایل ارتباط جمعی آن را به عهده گرفته و در بسیاری از موارد کارایی لازم را ندارند.

از دیگر کارکردهای مهم لالایی‌ها باید به حفظ و صیانت فرهنگ به معنای عام خود و نیز انتقال آن از نسلی به نسل دیگر طی قرون متمادی اشاره کرد که متناسب با موقعیت‌های اقلیمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عمل کرده است. برای آنکه بتوانیم مصادیق بیشتری برای موارد ذکرشده در اختیار داشته تا تفاوت‌ها و تشابهات لالایی‌های نواحی مختلف کشور را تا اندازه‌ای مشاهده کنیم نمونه‌ای از بهترین لالایی‌های نواحی مختلف کشور را جمع‌آوری نموده‌ایم که در بخش بعدی ارائه می‌گردد.

بخش سوم

مجموعه‌ای از لالایی‌های مناطق مختلف ایران

برای فراهم کردن مجموعه‌ای از لالایی‌های ایرانی برخی مشکلات روبه‌روی ما قرار دارند که از آن جمله می‌توانیم به تنوع و فراوانی آنها اشاره کنیم؛ امری که مجبورمان می‌کند از میان انبوه لالایی‌ها دست به انتخاب بزنیم و کمتر دستی است که ترانه‌ای را از این میان کنار بگذارد و نلرزد. از سوی دیگر وجود تکرار و تشابه تا اندازه‌ای این اطمینان را فراهم می‌سازد که خلاً حذف یک ترانه از یک منطقه به سبب آمدن آن در ترانه‌های مناطق دیگر آسیب چندانی به این گنجینه متنوع وارد نخواهد کرد. برای دسته‌بندی و معرفی لالایی‌های ایرانی از چند زاویه مختلف می‌توان دست به انتخاب زد. زبان، قالب، موضوع، مناطق جغرافیایی و حوزه‌های فرهنگی از جمله مواردی هستند که از طریق آنها می‌توان به دسته‌بندی لالایی‌ها پرداخت. از آنجا که تعداد لالایی‌های در دسترس این گزارش تا اندازه‌ای زیاد بوده و به لحاظ فراوانی و تکرار آنها در مناطق مختلف کشور با نوعی افت و خیز روبه‌رو هستیم، که ناشی از مجموعه اسناد در دسترس می‌باشد تلاش می‌کنیم تا مجموعه‌ای از بهترین لالایی‌های مناطق مختلف کشور را با توجه به حوزه‌های جغرافیایی، فرهنگی، و زبانی انتخاب نماییم. البته لازم به ذکر است که با توجه به اسناد موجود در آرشیو مرکز تحقیقات صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و دیگر منابعی که نگارنده در اختیار داشته است از برخی نقاط کشور لالایی چندانی به دست نیامده که از آن جمله می‌توان به استان‌های گیلان، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد و... اشاره کرد. در برخی از نواحی و حوزه‌های زبانی دیگر نظیر آذربایجان، کردستان و سیستان و بلوچستان نیز محدودیت‌های

زبانی مؤثری وجود داشته است که تا اندازه‌ای از میزان لالایی‌های این مناطق کاسته است. این در حالی است که در نواحی کویری و فلات مرکزی ایران لالایی‌ها دارای تنوع خاصی می‌باشند به گونه‌ای که طیف وسیعی از لالایی‌های کویری را می‌توان مشاهده کرد که گاه به رنگ سحرآمیز قالی بوده و گاه حکایت دردها، امیدها، و آرزوهای مادران کویرنشین می‌باشند. این دسته از لالایی‌ها که دارای عناصر مشترکی و در عین حال بازتاباننده انواعی از شیوه‌های تولید و باورها و اعتقادات خاص بوده و تا اندازه‌ای سبک متفاوتی از زندگی ایرانی را به نمایش می‌گذارد، در استان‌هایی نظیر قم، مرکزی، اصفهان، یزد، سمنان، کرمان و خراسان قابل مشاهده‌اند که نمونه‌هایی از بهترین آنها را در اینجا با هم دنبال می‌کنیم.

/lâlâ, lâlâ, gole peste/	لالا، لالا، گل پسته
/šodam az geryehât xâste/	شدم از گریه‌هاست خسته
/lâlâ, lâlâ , gole nâzi/	لالا، لالا، گل نازی
/bâbât rafte be sarbâzi/	بابات رفته به سربازی
/lâlâ, lâlâ , to xâvâb dâri/	لالا، لالا، تو خواب داری
/havây šire gâb dari/	هوای شیر گاب داری
/lâlâ goyam barâye to/	لالا گویم برای تو
/bemirand došmanâye to/	بمیرند دشمنان تو
ابوالقاسم اصغری ورزند، اصفهان، ۱۳۶۸	
/lâlâ, lâlâ, azize termepoušam/	لالا، لالا، عزیز ترمه پوشم
/kojâ bordi kelide aqlo houšam/	کجا بردی کلید عقل و هوشم
/lâlâ, lâlâ, ke lâlâ bibalâ bi/	لالا، لالا، که لالا بی بلابی
/xodat molâ qalamdounet talâ bi/	خودت ملا قلمدونت طلا بی
/lâlâ, lâlâ, gole bâqe beheštam/	لالا، لالا، گل باغ بهشتم
/baraye bâbâyat nâme neveštam/	برای بابایت نامه نوشتم

/neveštam noume rode man azize/ نوشتم نومه رود من عزیزه
/do češmouneš šabo rouz sormerize/ دوچشمونش شب و روز سرمه ریزه
/lâlâ, lâlâ, ke lâlâyat miâye/ لالا، لالا، که لالایت می‌آیه
/namaze šoum bâbâyet miâye/ نماز شوم بابایت می‌آیه
احمدقلی صانعی، خوانسار، ۱۳۴۸

/lâlâ, lâlâ, gole qâli/ لالا، لالا، گل قالی
/bâbâš rafte jâšam xâli/ باباش رفته جاشم خالی
/lâlâ, lâlâ, gole xašxâš/ لالا، لالا، گل خشخاش
/bâbâš rafte xodâ hamrâš/ باباش رفته خدا همراش
/lâlâ, lâlâ, gole poune/ لالا، لالا، گل پونه
/bâbâš rafte, bačam xone/ باباش رفته، بچهام خونه
/lâlâ, lâlâ, gole nana/ لالا، لالا، گل نena
/bâbâš rafte, bačam tanhâ/ باباش رفته، بچهام تنها
اشرف باستانی، شهررضا، ۱۳۵۱

/lâlâ, lâlâ, azize del/ لالا، لالا، عزیز دل
/haside to berad zire gel/ حسید تو برد زیر گل
/be čašme bad beriz felfel/ به چشم بد بریز فلفل
/bexâb qorboun azize del/ بخواب قربون، عزیز دل
سید مجدالدین قائم مقامی، سمیرم، ۱۳۵۱

/âlâ, lâlâ, gole qandom/ آلا، لالا گل قندم
/azizom roude delbandom/ عزیزم رود دلبندم
/makon gerie, makon nâle/ مکن گریه، مکن ناله
/be qondâqet nemibandom/ به قنذاقت نمی‌بندم

/âlâ, lâlâ, golom bâši/	آلا، لالا، گلم باشی
/tasalâye delom bâši/	تسالای دلم باشی
/bexoubi hamdamom bâši/	به‌خوبی همدمم باشی
/gole tâje sarom bâši/	گل تاج سرم باشی
حسین اسکندری، گلپایگان، ۱۳۴۸	
/oulâlâ, lâ, gole sousan/	اولالا، لا، گل سوسن
/sarat vardâr labat bousam/	سرت وردار لب‌ت بوسم
/labat bousam ke bou dare/	لب‌ت بوسم که بوه داره
/xode gol goftegou dare/	خود گل گفتگو داره
/labat bousam ke allâh/	لب‌ت بوسم که الله
/zabounet qolhovallâh/	زبونت قل هوالله
/oulâlâ, lay, lâlâey/	اولالا، لای، لالایی
/azizom mire molâey/	عزیزم میره ملایی
/ke yâd gire kalâmollâh/	که یاد گیره کلام الله
/negahdâreš rasoulollâh/	نگهدارش رسول الله
/kalâmollâh to pireš kon/	کلام الله تو پیرش کن
/xat az qorân nasibeš kon/	خط از قرآن نصیبش کن
/oulâ, lâlây, gole lâle/	اولا، لالای، گل لاله
/palang dar kouh çe minâle/	پلنگ در کوه چه می‌نال
/palange pire bidandoun/	پلنگ پیر بی‌دندون
/xari xorde xode pâlung/	خری خورده خود پالون
/oulâ, lâlây, gole âlo/	اولا، لالای، گل آلو

/azizom masto xâbâlou/	عزیزم مست و خواب‌آلو
/bexâb jounom bokon lâlâ/	بخواب جونم بکن لالا
/be qorbat miravi fardâ/	به غربت می‌روی فردا
/oulâ, lâlây, gole âlou/	اولا، لالای، گل آلو
/deraxte sibo zardâlou/	درخت سیب و زردآلو
/ke zardâlou râ âb borde/	که زردآلو را آب برده
/dele roudom râ xâb borde/	دل رودم را خواب برده
/oulâ, lâlây, xodâye man/	اولا، لالای، خدای من
/ali moškelgošâye man/	علی مشکل‌گشای من
/be har dardi ke darmounom/	به هر دردی که درمونم
/ali moškelgoša dounom/	علی مشکل‌گشا دونم
/oulâ, lâlây, be xâb mire/	اولا، لالای، به خواب میره
/ke gole var rouye âb mire/	که گل ور روی آب میره
/ke gol dâram golâb mixâm/	که گل دارم گلاب می‌خوام
/aziz doune be xâb mixâm/	عزیز دونه به خواب می‌خوام
/oulâ, lâlâ, golam baši/	اولا، لالا، گلم باشی
/ke var to mipazam âši/	که ور تو می‌پزم آشی
/barâyat mixaram hâši/	برایت می‌خرم حاشی
/jelodârat xodat bâši/	جلودارت خودت باشی
/oulâ, lâlâ, xodam dâyat/	اولا، لالا، خودم دایه‌ات

/asirom paye gahvârat/	اسیرم پای گهواره‌ات
/ke gahvare bejonbounom/	که گهواره بجنبونم
/dele roudom naranjounom/	دل رودم نرنجونم
/oulâ, lââ, xodam dâyat/	اولا، لالا، خودم دایه‌ات
/xarom maxmal konom sâyat/	خرم مخمل کنم سایه‌ات
/magar maxmal zari čande?/	مگر مخمل زری چنده؟
/dele roudom čerâ tange?/	دل رودم چرا تنگه؟
/oulâ, lââ, gole xašxâš/	اولا، لالا، گل خشخاش
/bâbât rafte xodâ hamrâš/	بابات رفته خدا همراهش
/bâbât rafte be golčini/	بابات رفته به گل چینی
/miâre qando dârčini/	می‌آره قند و دارچینی
/ke dârčini geroun kardand/	که دارچینی گرون کردند
/dele roudom be xoun kardand/	دل رودم به خون کردند
/oulâ, lââ, gole zire/	اولا، لالا، گل زیره
/bâbât rafte zani gire/	بابات رفته زنی گیره
/kanizi var to migire/	کنیزی ور تو می‌گیره
/kanize to siâ bâše/	کنیز تو سیاه باشه
/galoubandeš talâ bâše/	گلوبندش طلا باشه
/talâ resme bozorgoune/	طلا رسم بزرگونه
/ke niqre dar qalamdone/	که نقره در قلمدونه
/qalam sarkâre divoune/	قلم سرکار دیوونه
/nevisande be kermoune/	نویسنده به کرمونه

/oulâ, lâlâ, gole xiri/	اولا، لالا، گل خیری
/čerâ âroum nemigiri/	چرا آروم نمی‌گیری
/bexâb jounom bokon lâlâ/	بخواب جونم بکن لالا
/ke alâne be xâb miri/	که الانه به خواب میری
/oula, lâlâ, goldaste/	اولا، لالا، گل دسته
/ali bâre safar baste/	علی بار سفر بسته
/ke gol bâ gol gero baste/	که گل با گل گرو بسته
/naši bimâr, naši xaste/	نشی بیمار، نشی خسته
/oulâ, lâlâ, siâhdoune/	اولا، لالا، سیاه دونه
/ke bâbât dar biâboune/	که بابات در بیابانونه
/agar bâbât biâd xoune/	اگر بابات بیاد خونه
/xorâkeš maqze bâdome/	خوراکش مغز بادومه
/oulâ, lâlâ, šabe târom/	اولا، لالا، شب تارم
/be qorbat miresad kêram/	به غربت می‌رسد کارم
/agar dast az to bardâram/	اگر دست از تو بردارم
/šabo rouzam gereftâram/	شب و روزم گرفتارم
/oulâ, lâlâ, be xoou mire/	اولا، لالا، به خو میره
/ke âb var bâqe no mire/	که آب ور باغ نو میره
/ke âb bouna hame mastand/	که آب بونا همه مستند
/ke âb var bâqe no bastand/	که آب ور باغ نو بستند

/oulâ, lâây, lââey/	اولا، لالای، لالایی
/boro loloye sahrâey/	برو لولوی صحرائی
/boro lolo jahanam šo/	برو لولو جهنم شو
/zakate joune bačam šo/	ذکات جون بچه‌ام شو
مجید امنیایی، کرمان، ۱۳۴۷	
/lâlâ, lâây bouhambou/	لالا، لالای بوهمبو
/miâye bouye dastanmbou/	می‌آیه بوی دستنبو
/dar pâye čamande gol/	در پای چمند گل
/bešouram piranat bolbol/	بشورم پیرنت بلبل
/ke bendâzam be šâxe gol/	که بندازم به شاخ گل
/lâlâ, lâây, jegar gouše/	لالا، لالا، جگر گوشه
/če morvâri ke dar gouše/	چه مرواری که در گوشه
/azizom sire xou miše/	عزیزم سیر خو می‌شه
/lâlâ, lâây goldaste/	لالا، لالای گلدسته
/ali bâre safar baste/	علی بار سفر بسته
/nemigoyam maro mâdar/	نمی‌گویم مرو مادر
/boro âheste, âheste/	برو آهسته، آهسته
ماهرخ شهیدی زندی، کرمان، ۱۳۴۸	
/lâlâ, lâây, gole zire/	لالا، لالا، گل زیره
/mohamad xân be zanjire/	محمد خان به زنجیره
/abol fat xân nemimire/	ابوالفتح خان نمی‌میره
/ke tâ doniâ qarâr gire/	که تا دنیا قرار گیره
/čerâ xâbet nemigire/	چرا خوابت نمی‌گیره
سودابه ذکایی، کرمان، ۱۳۴۸	

/lâlâ, lâlây, lâlâče/	لالا، لالای، لالاچه
/ke morq âmad labe tâqče/	که مرغ آمد لب تاقچه
/ke tox karde barây bače/	که تخ کرده برای بچه
/sefido zardo bâdâmče/	سفید و زرد و بادامچه
/yeki gohar, yeki johar/	یکی گوهر، یکی جوهر
/yeki olâde peyqambar/	یکی اولاد پیغمبر
/ke peyqambar doâ mikard/	که پیغمبر دعا می‌کرد
/ali zekre xodâ mikard/	علی ذکر خدا می‌کرد
/xodâye man, xodâye man/	خدای من، خدای من
/be haq bešno sedâye man/	به حق بشنو صدای من
/be haq bešno morâdam deh/	به حق بشنو مرادم ده
/az ein qarqo nejâtam deh/	از این غرق او نجاتم ده
/lâlâ, lâlâ, gole âlou/	لالا، لالا، گل آلو
/deraxte sibo zardâlou/	درخت سیب و زردآلو
/ke zardâlou bar âvarde/	که زردآلو برآورده
/barâye mâ kam âvarde/	برای ما کم آورده
/lâlâ, lâlâ, gole dašti/	لالا، لالا، گل دشتی
/hame raftan to bargâšti/	همه رفتن تو برگشتی
/hame raftan be golčini/	همه رفتن به گل‌چینی
/miâran qando dârčini/	می‌آرن قند و دارچینی
/lâlâ, lâlâ, gole nana/	لالا، لالا، گل ننا
/var ei kouče maro tanha/	ور ای کوچه مرو تنها

/ke ein kouče hame mastand/ /ke âb var paye gol bastand/	که این کوچه همه مستند که آب ور پای گل بستند
/lâlâ, lâlâ, gole narges/ /ke bad var to nayad hargez/ /na var bâbât, na var kâkât/ /na var dâdâ bolan bâlât/	لالا، لالا، گل نرگس که بد ور تو نیاد هرگز نه ور بابات، نه ور کاکات نه ور دادا بلن بالات
/lâlâ, lâlâ, anârestoun/ /havâ garm asto tâbestoun/ /ke roupoušaš katoun bastoum/ /var oun šabhâye tâbestoun/	لالا، لالا، انارستون هوا گرم است و تابستون که روپوشش کتون بستوم ور اون شب‌های تابستون
/lâlâ, lâlâ, šotorxoune/ /bedidom louk âroume/ /hamou âroum siâšoune/ /ke bâreš lalo marjoune/ یداله جلالی کمالی، کرمان، ۱۳۴۷	لالا، لالا، شترخونه بدیدم لوک آرومه همو آروم سیاشونه که بارش لعل و مرجونه
/âlâ, lâlâ, gole poune/ /bâbât rafte nagir boune/ /hamin hafte miad xoune/ /nahâreš maqze bâdoume/ /lâlâ jounom, lâlâ omrom/ عمار کازرونی‌زند، کرمان، ۱۳۵۳	آلا، لالا، گل پونه بابات رفته نگیر بونه همین هفته میاد خونه نهارش مغز بادومه لالا جونم، لالا عمرم

/lâlâ, lâlâ, gole mouni/

لالا، لالا گل مونی

/be âbe zire pol mouni/

به آب زیر پل مونی

/be gol mouni ke bou dare/

به گل مونی که بو داره

/ke ba gol goftegou dare/

که با گل گفتگو داره

فرهنگ اصطلاحات کرمان، ص ۱۹۲

/lâlâ, lâlâ, šabestounam/

لالا، لالا، شبستونم

/halalet šire pestounam/

حالات شیر پستونم

/lâlâ, lâlâ, šaboun oumad/

لالا، لالا، شبون اومد

/ke mâh bâlâye boun oumad/

که ماه بالای بون اومد

همان منبع

/lalâ, lâlâ, malous malmal/

لالا، لالا، ملوس ململ

/ke gahvârat čoube sandal/

که گهوارت چوب صندل

/lehâfat čite hendestoun/

لحافت چیت هندستون

/ke bâleštat pare sistoun/

که بالشتت پر سیستون

/âlâ ey bâde tâbestoun/

آلا ای باد تابستون

/nazar kon souye hendestoun/

نظر کن سوی هندستون

/begou bâbâ azize man/

بگو بابا عزیز من

/baray roudom katoun bestoun/

برای رودم کتون بستون

لوریمر، فرهنگ مردم کرمان، ص ۱۷

/lâlâ, lâlâ, ali malmal/

لالا، لالا، علی ململ

/bebandom taxt az sandal/

بیندم تخت از صندل

/agar allâh kone yâri/

اگر الله کنه یاری

/bebandom taxte dâmâdi/

بیندم تخت دامادی

محمود هلاکوبی، بافت، ۱۳۴۹

/lâlâ, lâlâ, gole zardom/

لالا، لالا، گل زردم

/nabinom daqe farzandom/ نبینم داغ فرزندم
 /hamin farzande delbandom/ همین فرزند دل‌بندم
 /ke del bar to hami bandom/ که دل بر تو همی بندم

/lâlâ, lâlâ, šabe târom/ لالا، لالا، شب تارم
 /be qorbat man gereftârom/ به غربت من گرفتارم
 /be mordan miresad kârom/ به مردن می‌رسد کارم
 /ke dar pâye to bimârom/ که در پای تو بیمارم

/lâlâ, lâlâ, to xou dâri/ لالا، لالا، تو خو داری
 /ke ou var korte jo dari/ که او ور کرت جو داری
 /ke tâ johâ dero miše/ که تا جوها درو می‌شه
 /dele roudom be ou miše/ دل رودم به او می‌شه
 /bâbât rafte be ouiâri/ بابات رفته به اویاری
 /miare xoše morvâri/ می‌آره خوشه مرواری
 /dame bileš talâkâri/ دم بیلش طلاکاری

عفت، مهدویان، زرنده، ۱۳۴۸

/âlâ, lâlâ, šabe târom/ آلا، لالا، شب تارم
 /ke dar qorbat gerftârom/ که در غربت گرفتارم
 /čera az bikasi nâlom/ چرا از بی‌کسی نالم
 /xodâ ra šokr torâ dârom/ خدا را شکر ترا دارم

/âlâ, lâlâ, gole jošan/ آلا، لالا، گل جوشن
 /ke šab târiko rouz roušan/ که شب تاریک و روز روشن

/šenidom tâze dâmâdi/ شنیدم تازه دامادی

/do čašme mâdarat roušan/ دو چشم مادرت روشن

/lâlâ, lâlâ, goli dârom/ لالا، لالا، گلی دارم

/be gâ čou bolboli darom/ به گا چو بلبلی دارم

/be gâ čou bolbole bâqi/ به گا چو بلبل باقی

/ke az gol behtari dârom/ که از گل بهتری دارم

/âlâ, lâlâ, be gahvâre/ آلا، لالا، به گهواره

/ke gahvâre gerânbâre/ که گهواره گرانباره

/xodâ teflom negahdâre/ خدا طفلم نگهداره

نصرت... ایران نژاد، سیرجان، ۱۳۴۸

لالایی‌های مناطق مختلف کرمان چنانچه ملاحظه شد عمدتاً دارای ساختار دوبیتی بوده و فراوانی این قالب در میان لالایی‌های این استان قابل توجه می‌باشد. این در حالی است که در برخی موارد شاهد در امتداد هم قرار گرفتن واحدهای مختلف لالایی از جمله دوبیتی‌ها، تکبیت‌ها و یا سه مصراعی‌ها هستیم که عمدتاً مادران اجرا کنندگان آنها هستند و در بسیاری از اسنادی که فرهنگ‌یاران محترم ارسال کرده‌اند نیز به همین صورت است. اما با توجه به واحدهای مستقل معنا این واحدها جدا از هم عرضه گردیده است تا قابلیت مقایسه و مطالعه آنها بیشتر فراهم گردد.

نحوه ترکیب و نوع ترکیب قالب‌ها در لالایی‌های مناطق مختلف متفاوت است که برای نمونه لالایی‌های استان یزد که در واقع بیشتر شامل ترکیباتی از تکبیت‌ها می‌باشند قابل تأمل به نظر می‌رسد.

/âlâ, lâlâ, gole narges/ آلا، لالا، گل نرگس

/ke bad bar to naiâd hargez/	که بد بر تو نیاد هرگز
/âlâ, lâlâ, gole golšan/	آلا، لالا، گل گلشن
/ke šo tariko rouz rošan/	که شو تاریک و روز روشن
/âlâ, lâlâ, gole xašxâš/	آلا، لالا، گل خشخاش
/ke bâbât raf xodâ hamrâš/	که بابات رف خدا همراش
/âlâ, lâlâ, golom lâlâ/	آلا، لالا، گلم لالا
/azizom, bolbolom lâlâ/	عزیزم بلبلم لالا
/âlâ, lâlâ, gole zire/	آلا، لالا، گل زیره
/ke bâbâ raf zani gire/	که بابا رف زنی گیره
/âlâ, lâlâ, gole dašti/	آلا، لالا، گل دشتی
/hame raftan to bargâšti/	همه رفتن تو برگشتی
/âlâ, lâlâ, gole âlou/	آلا، لالا، گل آلو
/azizom xorde zardâlou/	عزیزم خورده زردآلو
/âlâ, lâlâ, gole lâle/	آلا، لالا، گل لاله
/goli dâram be gahvâre/	گلی دارم به گهواره
/âlâ, lâlâ, xabar oumad/	آلا، لالا، خبر اومد
/ke bâbâš az safar omad/	که باباش از سفر اومد
/âlâ, lâlâ, lâlâš miâd/	آلا، لالا، لالاش می‌آد
/sedâ koše bâbâš miâd/	صدا کوش باباش می‌آد
/âlâ, lâlâ, gole sousan/	آلا، لالا، گل سوسن
/bia ta man lovât bousam/	بیا تا من لوات بوسم
/âlâ, lâlâ, gole zardom/	آلا، لالا، گل زردم
/be qorboune qadat gardom/	به قربون قدت گردم
/âlâ, lâlâ, gole panbe/	آلا، لالا، گل پنبه
/bexosbi bolbole ame/	بخسی بلبل عمه

/âlâ, lââ, gole qoure/	آلا، لالا، گل غوره
/gedâ omad dare xoune/	گدا اومد در خونه
/âlâ, lââ gole čande/	آلا، لالا، گل چنده
/lovât bousam hamaš qande/	لوات بوسم همش قنده
/âlâ, lââ, gole zire/	آلا، لالا، گل زیره
/hoseinâqa be zanjire/	حسین آقا به زنجیره
/âlâ, lââ, golom lââ/	آلا، لالا، گلم لالا
/bexosbi bolbolom lââ/	بخسبی بلبلم لالا
/lâlâ, lââ, siâdone/	لالا، لالا، سیاهدونه
/ke bâbâ dar biâboune/	که بابا در بیابونه
/lâlâ, lââ to ra moxâm/	لالا، لالا ترا موخام
/ke az gol behtari moxâm/	که از گل بهتری موخام
علی‌اکبر شریعتی، یزد، ۱۳۶۹	
/âlâ, lââ, gole zire/	آلا، لالا، گل زیره
/bačam âroum nemigire/	بچم آروم نمی‌گیره
/âlâ, lââ, gole nâzi/	آلا، لالا، گل نازی
/bâbât rafte be sarbâzi/	بابات رفته به سربازی
/âlâ, lââ, gole nanâ/	آلا، لالا، گل نعنا
/bâbât rafte šodam tanhâ/	بابات رفته شدم تنها
/âlâ, lââ, gole ošan/	آلا، لالا، گل اوشن
/bâbât oumad čašom rošan/	بابات اومد چشم روشن
/âlâ, lââ, gole pesse/	آلا، لالا، گل پسه
/bâbât rafte kamar base/	بابات رفته کمر بسه
/čo morqe bâlopar base/	چو مرغ بال و پر بسه

/bâbât bare safar base/	بابات بار سفر بسه
/âlâ, lâlâ, gole hasti/	آلا، لالا، گل هستی
/barâyat mixarom asbi/	برایت می‌خرم اسبی
/az oun asba boro bâše/	از اون اسب‌ها برو باشه
/hamiše sar jolo bâše/	همیشه سر جلو باشه

فاطمه شهابی، یزد، ۱۳۴۸

در لالایی‌های استان قم و بسیاری از دیگر نقاط ایران برخی از تکبیت‌ها به طور دائم تکرار می‌شود که با توجه به جنس کودک با هم فرق می‌کنند که در این ابیات غلامی، کنیزی یا جارو کشی حضرت معصومه (س) و یا برادر بزرگوارشان حضرت رضا (ع) آورده شده است مثل

/lâlâ, lâlâ, gole sadsâle bâši/	لالا، لالا، گل صد ساله باشی
/kanize hazrate masoume bâši/	کنیز حضرت معصومه باشی

و یا

/lâlâ, lâlâ, gole sadsâle bâši/	لالا، لالا، گل صد ساله باشی
/qolâme hazrate maoue bâši/	غلام حضرت معصومه باشی

برخی از لالایی‌ها را چنانکه گفته شد متناسب با جنس کودک برایش می‌خوانند؛ مثلاً در قم برای خواباندن دخترها شعری خوانده می‌شود که چندان هم به لالایی شبیه نیست:

/xodâyâ par bede parvâz begirom/	خدایا پر بده پرواز بگیرم
/dame darvâzeye širâz bešinom/	دم دروازه شیراز بشینم
/dame darvazeye širâz šolouqe/	دم دروازه شیراز شلوغه
/pesar amo čeqadr xoube, če šouxu/	پسر عمو چقدر خوبه، چه شوخه

/pesar amo savâre mâdione/	پسر عمو سوار مادیونه
/be dore mâdion maxmal kešide/	به دور مادیون مخمل کشیده
/tanâbe abrišam doreš pičide/	طناب ابریشم دورش پیچیده
/tanâbe abrišam šod riše riše/	طناب ابریشم شد ریشه ریشه
/domeš morvârie mixeš banafše/	دمش مرواری و میخس بنفشه
/banafše sar zade dore kolâheš/	بنفشه سرزده دور کلاهش
/amirolmomenin poštošanêš/	امیرالمومنین پشت و پناهش

خلیل حاجی‌باشی، قم، ۱۳۵۲

/lâlâ, lâlâ, gole bâdoum/	لالا، لالا، گل بادوم
/âqât rafte sare kâhdoun/	آقات رفته سر کاهدون
/lâlâ, lâlâ, gole fandoq/	لالا، لالا، گل فندوق
/âqât rafte sare sandoq/	آقات رفته سر صندوق
/lâlâ, lâlâ, gole peste/	لالا، لالا، گل پسته
/âqât rafte sare qesse/	آقات رفته سر قصه
/lâlâ, lâlâ, gole xašxâš/	لالا، لالا، گل خشخاش
/âqât rafte xodâ hamrâš/	آقات رفته خدا همراش
/lâlâ, lâlâ, gole poune/	لالا، لالا، گل پونه
/âqât rafte dare xoune/	آقات رفته در خونه
/lâlâ, lâlâ, gole zire/	لالا، لالا، گل زیره
/âqât rafte zan begire/	آقات رفته زن بگیره

بی‌نام، قم، ۱۳۵۰

/lâlâ, lâlâ, gole zire/	لالا، لالا، گل زیره
/bâbâš rafte zan begire/	باباش رفته زن بگیره
/magar az omre xod sire?/	مگر از عمر خود سیره؟

و یا

/lâlâ, lâlâ, gole zire/	لالا، لالا، گل زیره
/âqât rafte zani gire/	آقات رفته زنی گیره
/šâlâ kêreš sar nagire/	شالا کارش سر نگیره
/dele mâdar jâ begire/	دل مادر جا بگیره
/lâlâ, lâlâ, gole lâle/	لالا، لالا، گل لاله
/âqât rafte xoney xâle/	آقات رفته خونه خاله
/nâ boz dâre nâ bozqâle/	نه بز داره نه بزغاله
/bejoz yek tefle haf sâle/	به جز یک طفل هف ساله
اسماعیل فرنقی، خمین، ۱۳۴۶	

/lâlâ, lâlâ, gole âbšan/	لالا، لالا، گل آبشن
/bâbât rafte češâm roušan/	بابات رفته چشم روشن
/lâlâ, lâlâ, gole peste/	لالا، لالا، گل پسته
/bâbât rafte kamar baste/	بابات رفته کمر بسته
/lâlâ, lâlâ, gole minâ/	لالا، لالا، گل مینا
/bâbât rafte be kouh tanhâ/	بابات رفته به کوه تنها
/lâlâ, lâlâ, gole lâle/	لالا، لالا، گل لاله
/palang dar kouh če minâle/	پلنگ در کوه چه می‌ناله
/lâlâ, lâlâ, gole zire/	لالا، لالا، گل زیره
/bačam ârom nemigire/	بچه‌ام آروم نمی‌گیره
/lâlâ, lâlâ, gole qandom/	لالا، لالا، گل قندم
/aziz dordoune delbandom/	عزیز دردونه دلبندم
غلامرضا مولایی، سمنان، بی تا	

چنانکه ملاحظه می‌شود بسیاری از ابیات این لالایی سمنانی در لالایی‌های اقصی نقاط

کشور نیز به چشم می‌خورند مانند بیت‌های دوم، سوم و یا برخی دوبیتی‌هایی که با اندکی تغییر در جای جای کشور تکرار می‌شوند.

/gedâ oumad dare xoune/ گدا اومد در خونه
/ye noun dâdam badeš oumad/ یه نون دادم بدش اومد
/do noun dâdam xošeš oumad/ دو نون دادم خوشش اومد
/xodeš rafto sageš oumad/ خودش رفت و سگش اومد

همان منبع

/lâlâ, lâlâ, gole esfand/ لالا، لالا، گل اسفند
/bâbât rafte sare gousfand/ بابات رفته سر گوسفند
/nane lâlâ, nane lâlâ/ ننه لالا، ننه لالا
/nane lâlâ, golom mâni/ ننه لالا، گلم مانی
/to âbe zire pol mâni/ تو آب زیر پل مانی
/nane lâlâ, nane lâlâ/ ننه لالا، ننه لالا

حسین ژرفی فر، سنگسر، ۱۳۴۸

/lâlâ, lâlâ, labe xaste/ لالا، لالا، لب خسته
/delam piše to peyvaste/ دلم پیش تو پیوسته
/lâlâ, lâlâ, gole âlou/ لالا، لالا، گل آلو
/do češmat masto xâbâlou/ دو چشمت مست و خواب‌آلو
/lâlâ, lâlâ, gole zire/ لالا، لالا، گل زیره
/bâbât rafte ke kêre gire/ بابات رفته که کارگیره
/lâlâ, lâlâ, gole esfand/ لالا، لالا، گل اسفند
/bâbât rafte sare gousfand/ بابات رفته سر گوسفند

بهمنه تابش، سنگسر، بی تا

در لالایی‌های استان سمنان تنوع و تکرار قابل توجهی است که بعضاً با عوض کردن تنها چند کلمه ساخت و معنای جدیدی در کالبد قبلی لالایی ریخته می‌شود، مثلاً با اندکی تغییر در لالایی فوق‌الذکر لالایی جدیدی که در پی القای مفاهیم مربوط به خویشاوندی است را ملاحظه می‌کنید که عیناً ذکر می‌گردد:

/lâlâ, lâlâ, gole esfand/	لالا، لالا، گل اسفند
/amou rafte peye gousfand/	عمو رفته پی گوسفند
/lâlâ, lâlâ, gole Abi/	لالا، لالا، گل آبی
/čerâ emšab nemixâbi/	چرا امشب نمی‌خوابی
/lâlâ, lâlâ, gole lâle/	لالا، لالا، گل لاله
/palang dar kouh minâle/	پلنگ در کوه می‌ناله
/barâye doxtare xâle/	برای دختر خاله
/lâlâ, lâlâ, gole panbe/	لالا، لالا، گل پنجه
/baqal gire torâ amme/	بغل گیره ترا عمه
/lâlâ, lâlâ, golam lâlâ/	لالا، لالا، گلم لالا
/gole jouno delom lâlâ/	گل جون و دلم لالا
فرخی مصباحی، سنگسر، ۱۳۵۱	

علاوه بر تنوع معانی و مفاد در لالایی‌های استان سمنان تنوع لالایی‌های این استان به لحاظ زبان و لهجه نیز قابل توجه می‌باشد. چرا که بسیاری از لالایی‌های مناطقی نظیر سنگسر یا شه‌میرزاد با لهجه‌ای متفاوت و تا اندازه زیادی شبیه لالایی‌های مناطق مختلف استان مازندران می‌باشد که نمونه‌هایی از آنها را ذکر می‌کنیم:

/lâlâ gome tare xou baeire/	لالا گومه تر خو بییره
/dašto sahrâ re ou baeire/	دشت و صحرا را بییره

/dešman re marge tou baeire/	دشمن ر مرگِ تو بییره
/lâlâ, lâlâ, lâlâ e dour/	لالا، لالا، لالا دور
/te baxosi lâlâ e dour/	تو بخشی لالا دور
/te bâzoubande telâ e dour /	ته بازوبندِ طلا دور
/tašakor mikonem xodâ e dour/	تشکر می‌کنم خدا دور
/mere pesar hedâ e dour/	مِرِ پسر هدا دور

زهرا اسماعیل‌نژاد، شه‌میرزاده، ۱۳۵۲

/lâlâ, lâlâ, lâlâ layat konam man/	لالا، لالا، لالا لایت کنم من
/delam mixâd ke molâyat konam man/	دلَم می‌خواد که ملایت کنم من
/delam mixâd ke az mola biâey/	دلَم می‌خواد که از ملا بیایی
/negâ bar qado bâlâyat konam man/	نگا بر قد و بالایت کنم من
/delam mixâd ke mola zade bâši/	دلَم می‌خواد که ملا زاده باشی
/ketabe lilomajnoun xânde baši /	کتاب لیل و مجنون خوانده باشی
/araqçine sarat činkaš konam man/	عرق چین سرت چین کش کنم من
/qado bâlât bebinom qaš konam man/	قد و بالات ببینم غش کنم من
/qado bâlât be mesle coubo neize/	قد و بالات به مثل چوب و نیزه
/saro royat be mesle gol misouze/	سر و رویت به مثل گل می‌سوزه
/araqçine sarat čine mahabat/	عرق چین سرت چین محبت
/marâ andâxti rafti be qorbat/	مرا انداختی رفتی به غربت

گیتی داوود، گرمسار، ۱۳۴۸

/vačom vače kalâqe/	وچم وچه کلاغه
/vačom bolbole bâqe/	وچم بلبل باغه
/vačom mirzâ fatolâh/	وچم میرزا فتح‌اله
/vačom mire be mollâ/	وچم میره به ملا

/vačom darseš ravâne/ وچم درسش روان

/vačom jibeš qorâne/ وچم جیبش قرآن

عبداله محمدیان، دامغان، ۱۳۴۹

تفاوت‌های زبانی، چنانکه در لالایی‌های استان سمنان ملاحظه گردید، در استان‌های مجاور یعنی خراسان نیز به چشم می‌خورد که به لحاظ رواج زبان‌های متفاوتی نظیر: ترکی و کرمانجی در نواحی شمالی و دیگر لهجه‌ها در سایر نقاط استان باعث شکل‌گیری لالایی‌های متنوع و متفاوت در این استان گردیده است. به همین دلیل تلاش خواهیم کرد تا با دسته‌بندی زبانی لالایی‌ها تعدادی از بهترین لالایی‌های هر یک از این مناطق را معرفی نماییم.

/lâlâ gouyam barâye to/ لالا گویم برای تو

/bemire došmanâye to/ بمیره دشمنای تو

/lâlâ, lâlâ, gole zire/ لالا، لالا، گل زیره

/bičam xâbeš nemigire/ بیچهام خوابش نمی‌گیره

/lâlâ, lâlâ, gole peste/ لالا، لالا، گل پسته

/bâbât rafte kamar baste/ بابات رفته کمر بسته

/lâlâ, lâlâ, gole nanâ/ لالا، لالا، گل نعنا

/bâbât rafte šodam tanhâ/ بابات رفته شدم تنها

/lâlâ, lâlâ, gole čâeiy/ لالا، لالا، گل چایی

/bâbât rafte xaney dâeiy/ بابات رفته خنۀ دایی

/lâlâ, lâlâ, gole poune/ لالا، لالا، گل پونه

/xalat âmad dare xoune/ خلهات آمد در خونه

/lâlâ, lâlâye âlouče/ لالا، لالایه آلوچه

/ke bičam mine bâniye/ که بیچهام مین بانیه

/ke bânij re bejonbânin/ که بانج ر بجنبانین

/dele bičam naranjânin/

دل بیچه‌ام نرنجانین

بیچه: بچه، خنه: خانه، خله: خاله، بانیح: گهواره.

احمد فلاح یساولی، قوچان، ۱۳۵۱

/lâlâ, lâlâ, beken bičam/

لالا، لالا، بکن بیچه‌ام

/mama, mama maken bičam/

ماما، ماما مکن بیچه‌ام

/havâ tarik šode loulou/

هوا تریک شده لولو

/amede tâ dame jarou/

آمدّه تا دم جرو

/bexou bičam, bexou golčam/

بخو بیچه‌ام، بخو گلچه‌ام

/bexou ey nâzdana noučam/

بخو ای ناز دنه نوچه‌ام

/beband čašmat beken lâlâ/

ببند چشمت بکن لالا

/to ey nogole ranâ/

تو ای نو گل رعنا

احمد رامانی، قوچان، ۱۳۴۶

/alan, alan zilzela/

آلن، آلن زلزله

/šabnam dušar dehgula/

شب‌نم دو شر دهگوله

/gul yaqem čaman edem/

گل یغم چمن ادم

/gul yula daein gula/

گل یوله داین گوله

/alan alan gula nâz/

آلن آلن گوله ناز

/bul bul ouxer gula nâz/

بول بول اوخر گوله ناز

/harke min ouz bâlâs/

هر که مین اوز بالاس

/edar nana sina nâz/

إدر ننه سینه ناز

معنی:

لالا کن در گهواره لالا کن (گهواره به زلزله تشبیه شده است)

که شب‌نم بر روی گل نشسته است

گل را بچینم دسته کنم

بیا به خانه دایی‌ات ببر
 لالا، لالا گل ناز
 بلبل می‌گوید گل ناز
 فرزند هر کسی
 به مادرش ناز می‌کند

تیمور رستمی، درگز، ۱۳۴۸

/lâlâ, lâlâ, gole nârom/
 /ze qamhâye to bimârom/
 /to râ dâram çe qam dârom/
 /hezâr šokraš bejâ ârom/
 /lâlâ, lâlâ, habibe man/
 /be darde del tabibe man/
 /hamin rouzâ jodâey râ/
 /xodâ karde nasibe man/

لالا، لالا، گل نارم
 ز غم‌های تو بیمارم
 تو را دارم چه غم دارم
 هزار شکرش به جا آرم
 لالا، لالا، حبیب من
 به درد دل طبیب من
 همین روزها جدایی را
 خدا کرده نصیب من

فروغ‌الزمان ضرغامی، مشهد، ۱۳۸۲

/lâlâ, lâlâ, be maktab ro/
 /be paye taxte hazrat ro/
 /agar âqâ befarmaya/
 /to jârroukaše gonbad šo/

لالا، لالا، به مکتب رو
 به پای تخت حضرت رو
 اگر آقا بفرمایه
 تو جارو کش گنبد شو

/lâlâ, lâla, gole souri/
 /nakon az mâdarat douri/
 /agar xâhi koni douri/
 /barey mâdar bekan gouri/

لالا، لالا، گل سوری
 نکن از مادرت دوری
 اگر خواهی کنی دوری
 بری مادر بکن گوری

/lâlâ lâlâye dor dar gouš/ لالا، لالای در در گوش
/more bâzâr bobor bofrouš/ مور بازار ببر بفروش
/be yek man nôno sieir goušt/ به یک من نون و سیر گوشت
/biâ benšin boxor xâmoush/ بیا بنشین بخور خاموش

/lâlâ, lâlâ, gole nôrom/ لالا، لالا، گل نارم
/tasalâye dele zârom/ تسلای دل زارم
/šenidom dardesar dâri/ شنیدم دردسر داری
/ze qamhâye to bimârom/ ز غم‌های تو بیمارم

/lâlâ, lâlâ, be jâne to/ لالا، لالا، به جان تو
/bemiran došmanâye to/ بمیرن دشمنای تو
/bemiran došmanâye nanget/ بمیرن دشمنای ننگت
/ke hardam mikonan janget/ که هر دم می‌کنن جنگت

/lâlâ, lâlâ, ke xâbet boud/ لالا، لالا، که خوابت بود
/šire mâdar halâlet boud/ شیر مادر حالالت بود
/šire mâdar vo šire miš/ شیر مادر و شیر میش
/ke hardo sâzegâret boud/ که هر دو سازگارت بود

/lâlâ, lâlâ, xodâ yâret/ لالا، لالا، خدا یارت
/ke haq bâše negahdâret/ که حق باشه نگهدارت
/negahdâret xodâ bâše/ نگهدارت خدا باشه
/ali mosarezâ bâše/ علی موسی‌الرضا باشه

علی اکبر صفریان بنا، مشهد، بی تا

/âlâ, lâlâ, gole âlou/ آلا، لالا، گل آلو
 /čerâqe xâneye xâlou/ چراغ خانه خالو
 /âlâ,/ /lâlâ, golom bâši/ آلا، لالا، گلم باشی
 /va xouši az saram vâši/ خوشی از سرم واشی
 مسعود مقدس‌زاده، فردوس، ۱۳۴۷

/âlâ, lâlâ, gole zire/ آلا، لالا، گل زیره
 /čerâ xâbet nemigira/ چرا خوابت نمی‌گیره
 /agar xâbe xošet gira/ اگر خواب خوشت گیره
 /nanat az qose mimira/ ننهات از غصه می‌میره
 محمد سروش نوقابی، نوقاب گناباد، ۱۳۵۱

/lâlâ, lâlâ, gole qandi/ لالا، لالا، گل قندی
 /tou az šahre samarqandi/ تو از شهر سمرقندی
 /samarqand ke ou borde/ سمرقند که او برده
 /dele beče re xâu borde/ دل بچه ر خاو برده

/lâlâ, lâlâ, xodâ yâret/ لالا، لالا، خدا یارت
 /emâm rezâ negahdâret/ امام رضا نگهدارت
 /emâm reazâ o qandileš/ امام رضا و قندیلش
 /negohdâre tou o mâret/ نگهدار تو و مارت
 /lâlâ, lâlâ, hayâtom de/ لالا، لالا، حیاتم بده
 /tou az lebât nobâtom de/ تو از لبات نباتم ده
 /az lebâye širinet/ از لبای شیرینت
 /biâ âbe hayâtom de/ بیا آب حیاتم ده
 سید محمود برآبادی، سبزوار، ۱۳۴۶

/âlâ, lâlâ, gole nâzi/	آلا، لالا، گل نازی
/bâbât rafte be sarbâzi/	بابات رفته به سربازی
/âlâ, lâlâ, gole peste/	آلا، لالا، گل پسته
/šodom az geryehât xaste/	شدم از گریه‌هاست خسته
/âlâ, lâlâ, gole annâb/	آلا، لالا، گل عناب
/šodom az geryehât bitâb/	شدم از گریه‌هاست بی‌تاب
/âlâ, lâlâ, gole âlou/	آلا، لالا، گل آلو
/be xâb ro sibo zardâlou/	به خواب رو سیب و زردآلو
/âlâ, lâlâ golom bâši/	آلا، لالا گلم باشی
/bexâbi bolbolom bâši/	بخوابی بلبلم باشی
/âlâ, lâlâ, gole zire/	آلا، لالا گل زیره
/biâya xou torâ gira/	بیایه خو ترا گیره
علی گودآسیابی، سبزوار، ۱۳۴۷	
/âlân, âlân, to lâlâ kou/	آلان، آلان، تو لالا کو
/dele mâ râ tasalâ kou/	دل ما را تسلی کو
/biâ benšîn dame orsou/	بیا بنشین دم ارسو
/xiâbân râ tamâšâ kou/	خیابان را تماشا کو
علی حسینی، صفی‌آباد سبزوار، بی تا	
/lâlâ, lâlâ, gole gorja/	لالا، لالا، گل گرجه
/se ta morqoun bâlây borja/	سه تا مرغون بالای برج
/yeki souxta, yeki poxta/	یکی سوخته یکی پخته
/yeki šokre xodâ gofta/	یکی شکر خدا گفته
/lâlâ, lâlâ, gole nârom/	لالا، لالا، گل نارم

/ke dar qorbat gereftârom/	که در غربت گرفتارم
/xabar boborin bare mârom/	خبر بیرین بر مارم
/ke dar toršiz bimârom/	که در ترشیز بیمارم
/lâlâ, lâlâ, gole qandom/	لالا، لالا، گل قندم
/mo az molke samarqandom/	مو از ملک سمرقندم
/delom daryaye qam gašte/	دلم دریای غم گشته
/če miporsi to az dardom/	چه می‌پرسی تو از دردم
/lâlâ, lâlâ, gole qouze/	لالا، لالا، گل قوزه
/ke fardâ eide norouze/	که فردا عید نوروزه
/roxé mâhat delafrouze/	رخ ماهت دل افروزه
/vali dâd az jahânsouze/	ولی داد از جهانسوزه
بی‌نام، سبزوار، بی‌تا	

در نیشابور هنگام اجرای لالایی‌ها که پشت سر هم خوانده می‌شود تک‌بیتی لابه‌لای آنها تکرار می‌شود که جالب توجه می‌باشد در این بیت گفته می‌شود:

/ke binouj ra bejombounam/	که بینوج را بجمبونم
/dele teflak naranjounam/	دل طفلک نرنجونم
	بینوج: گهواره

پروانه محلاتی، نیشابور، ۱۳۵۱

/lâlâ, lâlâye lâlâey/	لالا، لالای لالایی
/vây čoquke zarde sahrâey/	وای چغوک زرد صحرای
/to râ dadom ke molâ ri/	ترا دادم که ملا ری
/vay nadâdom kaz sarom vâri/	وای ندادم که از سرم واری
/lâlâ, lâlâ, gole yâsom/	لالا، لالا، گل یاسم

/vây negine sabze almâsom/	وای نگین سبز الماسم
/lâlâ, lâlâ, gole nana/	لالا، لالا، گل نعنا
/bâbât rafta, vây šodom tanhâ/	بابات رفته، وای شدم تنها
/lâlâ, lâlâ, gole annâb/	لالا، لالا، گل عناب
/šodom az geryehât bitâb/	شدم از گریه‌ها بی‌تاب
/lâlâ, lâlâ, to xou dari/	لالا، لالا تو خو دری
/vây to mile šire gou dari/	وای تو میل شیر گو دری
/bexâb ey gol, bexâb ey gol/	بخواب ای گل، بخواب ای گل
/bexâb ey xarmane sombol/	بخواب ای خرمن سمبل
محمد کریمی فروتنه، کاشمر، بی‌تا	
/lâlâ, lâlâ, be mašhad ri/	لالا، لالا، به مشهد ری
/be pâye qofle hazrat ri/	به پای قفل حضرت ری
/agar âqâ befarmâya/	اگر آقا بفرمایه
/to čaroukaše gonbaz ri/	تو چروکش گنیز ری
/lâlâ, lâlâ, gole zira/	لالا، لالا، گل زیره
/čerâ xâbet nemigira/	چرا خوابت نمی‌گیره
/agar xâbe xošet gira/	اگر خواب خوشت گیره
/dele mâdar qarâr gira/	دل مادر قرار گیره
محمدامین رضاپور، تربت حیدریه، ۱۳۴۸	
/elâ, lâlâ, gole bâqe beheštom/	الا، لالا، گل باغ بهشتم
/elâ, lâlâ, to boudi sarneveštom/	الا، لالا، تو بودی سرنوشتم
/ela, lâlâ, azize rouhe delbandom/	الا، لالا، عزیز روح دلبندم
/makon gerye makon nâlê/	مکن گریه مکن ناله
/be qondâqet nemibandom/	به قنذاقت نمی‌بندم

/elâ, lâlâ, gole čaey/ الا، لالا، گل چئی
 /az ein bače če mexaey/ از این بچه چه می‌خئی
 /ke ein beče pedar dara/ که این بچه پدر دَره
 /do xanjar bar kamar dara/ دو خنجر بر کمر دَره
 محمد رحیم‌آبادی، بیرجند، ۱۳۴۶

/lâlâ, lâlâ, be qoučouni/ لالا، لالا به قوچونی
 /to sardâre baloučouni/ تو سردار بلوچونی
 /baloučaey ke sar masta/ بلوچایی که سر مسته
 /az ey xeime bedar jasta/ از ای خیمه به در جسته
 محمد درخشان، تربت‌حیدریه، ۱۳۴۶

/ay alâ to xou dâri/ ای الا تو خو داری
 /xomâr az xâbe šou dâri/ خمار از خواب شو داری
 /hame gâvo da neizâran/ همه گاوو دَ نیزارن
 /to meile mâse gou dâri/ تو میل ماس گو داری
 /lalâlâ, lalâlâ, lalâlâ, lalâlâ/ لالا، لالا، لالا، لالا
 علی سعیدی، مومن‌آباد بیرجند، ۱۳۵۰

/lâlâ, lâlâ, gole lâle/ لالا، لالا، گل لاله
 /palang dar kouh minâle/ پلنگ در کوه می‌ناله
 /palang rafte be dariâey/ پلنگ رفته به دریایی
 /ke âvorde setâ mâhi/ که آورده سه تا ماهی
 /yeki seied, yeki sarvar/ یکی سید، یکی سرور
 /yeki oulâde peyqambar/ یکی اولاد پیغمبر
 مسعود محفوظی، سبزوار، ۱۳۵۶

/elâ lâlâ, gole âlou/	الا لالا، گل آلو
/dexo šo sibozardâlou/	دخو شو سبب و زردآلو
/elâ lâlâ, golom baši/	الا لالا، گلم باشی
/bexâbi bolbolom bâši/	بخوابی بلبلم باشی
/tasalâye delom bâši/	تسلای دلم باشی
/ela lâlâ, golom dexo golom bidâr/	الا لالا، گلم دخو گلم بیدار
/golom hičvaqt naše bimâr/	گلم هیچوقت نشه بیمار
/elâ lâlâ, lâlâš miâd/	الا لالا، لالاش میاد
/sedây kofše âqâš miâd/	صدای کفش آقاش میاد
/âqâš rafta zan gira/	آقاش رفته زن گیره
/kanize sad toman gira/	کنیز صد تومن گیره
/elâ lâlâ, to râ dârom/	الا لالا، ترا دارم
/čerâ az bikasi nâlom/	چرا از بیکسی نالم
/elâ lâlâ, zar dar gouš/	الا لالا، زر در گوش
/bobor bâzâr marâ bofrouš/	ببر بازار مرا بفروش
/be yek man ârdo si sir gouš/	به یک من آرد و سی سیر گوش
/elâ lâlâ, gole zira/	الا لالا، گل زیره
/čera xâbet nemigira/	چرا خوابت نمی‌گیره
/be haqe soureye yâsin/	به حق سوره یاسین
/biaya xou to ra gira/	بیایه خو ترا گیره
پناهی سمنانی، بی‌جا، ۱۳۷۶	
/lâlâ, lâlâ, gole lâle/	لالا، لالا، گل لاله
/palang dar kouh če minâlê/	پلنگ در کوه چه می‌نال
/na gâv monde na gousâlê/	نه گاو مونده نه گوساله

/beqir az tefle gahvâre/	به غیر از طفل گهواره
/lâlâ, lâlâ, golam bâši/	لالا، لالا، گلم باشی
/to mounese delam bâši/	تو مونس دلم باشی
/lâlâ, lâlâ, to xou dâri/	لالا، لالا، تو خو داری
/to meile šire gou dâri/	تو میل شیر گو داری
/kalâmolâh to pireš kon/	کلام‌الله تو پیرش کن
/ziârathâ nasibeš kon/	زیارت‌ها نصیبش کن
/lâlâ, lâlâ, gole reyhou/	لالا، لالا، گل ریحون
/bâbât rafte râhe tehroun/	بابات رفته راه تهرون
/lâlâ, lâlâ, gole esfand/	لالا، لالا، گل اسفند
/bâbât rafte peye gousfand/	بابات رفته پی گوسفند
/lâlâ, lâlâ, gole pese/	لالا، لالا، گل پسه
/bâbât rafte maxor qosse/	بابات رفته مخور غصه
/lâlâ, lâlâ, gole anjir/	لالا، لالا، گل انجیر
/bâbât râ kardaneš zanjir/	بابات را کردنش زنجیر
رقیه فیضی، دماوند، ۱۳۴۱	
/lâlâ, lâlâ, gole alvâneye mâ/	لالا، لالا، گل الوانه ما
/qadam xoš kon biâ dar xâneye mâ/	قدم خوش کن بیا در خانه ما
/qadam xoš kon biâ dar rouye qâli/	قدم خوش کن بیا در روی قالی
/sare dastat naham dastmâl kesâri/	سر دستت نهم دستمال کساری
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/agar gošnat šavad morq o mosamâ/	اگر گشنت شود مرغ و مسما
/agar tešnat šavad araqe nana/	اگر تشنه‌ات شود عرق ننا
/agar xâbet gereft otaqe bâlâ/	اگر خوابت گرفت اتاق بالا

/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/lâlâ, lâlâ, to xou dâri/	لالا، لالا، تو خو داری
/dotâ asbe bedou dâri/	دوتا اسب بدو داری
/dota šâter jelou dâri/	دو تا شاطر جلو داری
/qarâr az nesfe šou dâri/	قرار از نصف شو داری
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/dotâ galleye miš dâram/	دو تا گلّه میش دارم
/dotâ čoupoune xiš dâram/	دو تا چوپون خویش دارم
/dota galleye bozqâle/	دو تا گله بزغاله
/dotâ čoupoun pesarxâle/	دو تا چوپون پسر خاله
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/dotâ galleye gou dâram/	دو تا گلّه گو دارم
/dotâ čoupoun bedou dâram/	دو تا چوپون بدو دارم
/dota galleye boz dâram/	دو تا گله بز دارم
/dotâ čoupoune dozd dâram/	دو تا چوپون دزد دارم
/nane lâlâ, nane lâlâ, nanelâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/sare kouhe boland qez qonče bare/	سرکوه بلند قز غنچه باره
/berenj jouš mixore del biqarâre/	برنج جوش می‌خوره دل بی‌قراره
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/berenj jouš mixore ba šire mišân/	برنج جوش می‌خوره با شیر میشان
/xabar az mâ nadârand qomo xišân/	خبر از ما ندارند قوم و خویشان
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/sare koue boland qez qonče timče/	سر کوه بلند قز غنچه تیمچه
/negâh bar man makon kohne yatimče/	نگاه بر من مکن کهنه یتیمچه

/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/negâh bar man makon man nomze dâram/	نگاه بر من مکن من نمزه دارم
/mesâle helo moxak qamze dâram/	مثال هل و میخک غمزه دارم
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/sare kouhe boland hey mizanam ney/	سرکوه بلند هی می‌زنم نی
/šotor gom kardeam pey mizanam pey/	شتر گم کرده‌ام پی می‌زنم پی
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا، ننه لالا، ننه لا
/šotor gom kardeam bâ bâre kâši/	شتر گم کرده‌ام با بار کاشی
/goli gom kardeam šayad to bâši/	گلی کرده‌ام شاید تو باشی
/nane lâlâ, nane lâlâ, nane lâ/	ننه لالا ننه لالا ننه لا
حیبب!... حیبب کاظمی، دماوند، ۱۳۵۹	
/lâlâ, lâlâ, gole çâey/	لالا، لالا، گل چایی
/loulou az man çe mixâhi/	لولو از من چه می‌خواهی
/ke ein baçe pedar dare/	که این بچه پدر داره
/do xanjar bar kamar dare/	دو خنجر بر کمر داره
/lâlâ, lây lây, golam bâši/	لالا، لای لای، گلم باشی
/to mounese delam bâši/	تو مونس دلم باشی
/lâlâ, lây lây, gole bâdâm/	لالا، لای لای، گل بادام
/bâbât rafte toye dâlân/	بابات رفته توی دالان
/biârat az barât bâdâm/	بیارت از برات بادام
/lâlâ, lây lây, gole anjir/	لالا، لای لای، گل انجیر
/bâbât bastand be kondey zanjir/	بابات بستند به کنده زنجیر
/lâlâ, lây lây, gole zire/	لالا، لای لای، گل زیره
/torâ xâbe sahar gire/	ترا خواب سحر گیره

/lâlâ, lây lây, gole peste/	لالا، لای لای، گل پسته
/aqât âmad kamar baste/	آقات آمد کمر بسته
/âvorde az barât peste/	آورده از برات پسته
/lâlâ, lây lây, gole sirouzeye man/	لالا، لای لای، گل سی روزه من
/qazâ kardi namâzo rouzeye man/	قضا کردی نماز و روزه من
/qazâ kardi namâze mojtahed râ/	قضا کردی نماز مجتهد را
/negin angoštare firouzeye man/	نگین انگشتر فیروزه من
توران مافی، قزوین، ۱۳۴۸	
/lâlâ, lâlâ, gole zire/	لالا، لالا، گل زیره
/čerâ xâbet nemigire/	چرا خوابت نمی‌گیره
/elâ lâlâ ke lâlâ dâri ey gol/	الا لالا که لالا داری ای گل
/bexâb xoš ke bâbâ dâri ey gol/	به خواب خوش که بابا داری ای گل
/elâ lâlâ ke lâlâyet miâye/	الا لالا که لالایت می‌آیه
/namâze šâm bâbâyet miâye/	نماز شام بابایت می‌آیه
/namâze šâm agar didi niâmad/	نماز شام اگر دیدی نیامد
/saharga bar sare jâyet miâye/	سحرگاه بر سر جایت می‌آیه
محمد صالح فلاح، قزوین، ۱۳۴۹	
/kabtar, kabtar koje ništi/	کبتر کبتر کوجه نیشتی
/âqâye xânesar ništi/	آقای خانه سر نیشتی
/âqâye lâkou nâm čibou/	آقای لاکو نام چی بو
/šaqzade yâ baqzâde/	شغزاده یا بغزاده
/ye mošt kišmiš hade/	یه پشت کیشمیش هده
/beboure daryâ âb âbâdeh/	ببوره دریا آب آباده
/daryâ zeqâl mâqâle/	دریا زغال مقال

/mi berâr sâheb kamala/	می برار صاحب کمال
/sâheb kâmâle rašti/	صاحب کمال رشتی
/to sorxe goul bekâšti/	تو سرخ گول بکاشتی
/ti sorxe goul gerâne/	تی سرخ گول گرانه
/mesqâl zaferâne/	مثقال زعفرانه
/zafare forouš bomorde/	زعفره فروش بمرده
/âbčâla âb domorde/	آب چال آب دمورده
/hây hây hâeyie/	های های های یه
/hây hây hâeyie/	های های های یه
/eilak lâ eilak lâ/	ایی لک لا اایی لک لا
/malek marde javâne/	ملک مرد جوان
/pesare hâdi xâne/	پسر هادی خان
/hâdi kenâre dare/	هادی کناره داره
/šâhe naqâre dare/	شاه نقاره داره
/šâ xanama arousi/	شاه خنم عروسی
/angoštdâna barasi/	انگشت دانه برسی
/hây hây hâeyie/	های های های یه
/hây hây hâeyie/	های های های یه
عزت‌ا... نعمتی، رودسر، ۱۳۵۶	
/dade lâlâ, gole panbe/	دَدِه لالا، گل پنبه
/torâ ârous kone amme/	ترا عاروس کنه عمه
/dade lâlâ gole souzan/	دَدِه لالا گل سوزن
/mâret âmad češmet roušan/	مارت آمد چشمت روشن
/dade lâlâ, gole šali/	دَدِه لالا، گل شالی

/torâ ârous kone daey/

ترا عاروس کنه دایی

/dade lâlâ, gole lâle/

دده لالا، گل لاله

/torâ ârous kone xâle/

ترا عاروس کنه خاله

/dade lâlâ, goli dastam/

دده لالا گلی دستم

/torâ gahvâre mibastam/

ترا گهواره می‌بستم

/ke gahvârat telâkâre/

که گهواره‌ات طلاکار

/bâlâ pušat qalamkâre/

بالا پوشت قلمکار

حسین نسیمی، گرگان، ۱۳۴۶

/maneng bâlim âtlân sin/

مننگ بالیم آت‌لان سین

/âtlâri hâibadlân sin/

آت لاری هایبدلان سین

/gol yor nagoun roušsa/

گل یور نه گون روش س

/havâsi bolodlân sin/

هوا سی بلدلان سین

/maneng bâlim outorsin/

مننگ بالیم او تور سین

/bârmâqna youreng outorsin/

بارماق نه یورنگ او تور سین

/barqiz belanân totolsin/

برقیز بلانا توتول سین

/âtni baret qotolsin/

آت نی برت قوتول سین

معنی:

وقتی برادرم سوار اسب شود

اسبش زیبا و قشنگ می‌شود

وقتی به صورت گلش آفتاب بتابد

هوا ابری می‌شود

برادرم بنشیند و به انگشتش

انگشتی بنشانند

آنگاه که با دختری دستگیر شود

اسبش را می‌دهد و خلاص می‌شود

/maneng bâlim yâtebder/	مننگ بالیم یاتبدر
/gol yâseqna bâtebder/	گل یاسقنه باتبدر
/gol yaseqneng tekani/	گل یاسقننگ تکنی
/gol âyâqna bâtebder/	گل آیاقنه باتبدر
/âyâqnâ tekan vorsa/	آیاقنا تکن ورسه
/haba edin ârqâma/	هَبَّهٔ ادین آرقامه
/ârqâmeng habâsi/	آرقامنگ هباسی
/soir defâmeng qabâsi/	سُویر دِفامِنگ قَباسی

معنی:

برادر کوچک من خوابیده
و به بالشت گل فرو رفته
خار بالشت گلش
به پای چونان گلش فرو رفته
اگر خار به پایش فرو رفت
او را به پشت می‌گیرم
ای بارپشت من
ای قبه بالای سرم

پولاد صوفی‌زاده، گنبد کاووس، ۱۳۴۷

/lâlâ, lâlâye qorboun/	لالا، لالای قربون
/še keje verkâye qorboun/	شه کجه ورکای قربون
/te gare sar lâye qorboun/	ته گر سر لای قربون
/še xâre gougzâye qorboun/	شه خوار گوگزای قربون

معنی:

قربان لالایت شوم

قربان فرزند کوچکم شوم

قربان روپوش گهواره‌ات شوم

قربان گوساله خوب و قشنگم شوم

قربانعلی قربانی، امل، بی تا

/lâlâ geme gole xašxâš/

لالا گمه گل خشخاش

/berme nakon dârni dâdâš/

برمه نکن دارنی داداش

/lâlâ geme gole čâey/

لالا گمه گل چایی

/berme nakon dârni dâey/

برمه نکن دارنی دایی

/lâlâ geme gole ouji/

لالا گمه گل اوجی

/berme nakon dârni bâji/

برمه نکن دارنی باجی

/lâlâ geme gole lâle/

لالا گمه گل لاله

/berme nakon dârni xâle/

برمه نکن دارنی خاله

/lâlâ geme gole limou/

لالا گمه گل لیمو

/berme nakon dârni amou/

برمه نکن دارنی عمو

/lâlâ geme gole panbe/

لالا گمه گل پنبه

/berme nakon dârni amme/

برمه نکن دارنی عمه

گمه: می‌گوییم، برمه: گریه، دارنی: داری، وجی: پونه

سهیل حبیبی، بابل، ۱۳۴۶

/lâlâ, lây lây, gole peste/

لالا، لای لای، گل پسته

/bâbât rafte pâye qese/

بابات رفته پای قصه

/lâlâ, lây lây, gole fandoq/

لالا، لای لای، گل فندوق

/bâbât rafte dame sandoq/

بابات رفته دم صندوق

/lâlâ, lây lây, gole zire/	لالا، لای لای، گل زیره
/bâbâ rafte ke zan gire/	بابات رفته که زن گیره
/elâhi zaneš bemire/	الهی زنش بمیره
/dele mâdar ârâm begire/	دل مادر آرام بگیره
/lâlâ, lây lây, golom bâši/	لالا، لای لای، گلم باشی
/namiri hamdamom bâši/	نمیری همدمم باشی
/lâlâ, lây lây, gole xašxâš/	لالا، لای لای، گل خشخاش
/bâbât rafte xodâ hamrâš/	بابات رفته خدا همراهش
/lâlâ, lây lây, gole lâle/	لالا، لای لای، گل لاله
/bâbât rafte xâne y xâle/	بابات رفته خانه خاله
/lâlâ, lây lây, gole panbe/	لالا، لای لای، گل پنبه
/bâbât rafte xâne y amme/	بابات رفته خانه عمه
محبوبه تجزیه‌چی، همدان، ۱۳۴۸	
/lâlâ lâlâ konom tâ mâh darâyad/	لالا لالا کنم تا ماه درآید
/agar nefrin konom jânam barâyad/	اگر نفرین کنم جانم برآید
/lâlâyât migomo xâbat nemiâd/	لالایت می‌گم خوابت نمیاد
/bozorget mikonom yâdat nemiâd/	بزرگت می‌کنم یادت نمیاد
/lalouyat râ bebandom dâre bidi/	له لویت را ببندم دار بیدی
/ke balke to šavi râhe omidi/	که بلکه تو شوی راه امید
اسداله جلیلود، تویسرکان، ۱۳۴۷	
/lâey, lâey, lâey tâ čâle čarâ/	لالی، لالی، لالی تا چال چرا
/niâdâret bâše fatmeye zahrâ/	نیادارت باشه فاطمه الزهرا
/lâey, lâey, lâey tâ čâle sâmen/	لالی، لالی، لالی تا چال سامن
/niâdâret bâše emâme zâmen/	نیادارت باشه امام ضامن

/lâlâ, lâlâ, bevem tâ mâh darâyê/

لالا، لالا، بوم تا ماه درآیه

/češâte xou konom âqât biâyê/

چشات خو کنم آقات بیایه

عباس لبافی، ملایر، ۱۳۴۸

/lâlâ, lâlâ, ke lâlâte goftom/

لالا، لالا، که لالاته گفتم

/sarete šoune ko sâyaš bexoftem/

سرته شونه کو سایه‌اش بخفتم

/lâlâ, lâlâ, ke lâlâyat venâze/

لالا، لالا، که لالایت ونازه

/bâleš bizem varet maxmale tâze/

بالش بیزم ورت مخمل تازه

/lâlâ, lâlâ, ke lâlâyat geroune/

لالا، لالا، که لالایت گرونه

/bâleštet maxmale hamedune/

بالشتت مخمل همدونه

/lâlâ, lâlâ, gole harrouzeye me/

لالا، لالا، گل هر روزه مه

/qazâ kardi nomâzo rouzeye me/

قضا کردی نوماز و روزه مه

/lâlâ, lâlâ, gole sorxo sefidom/

لالا، لالا، گل سرخ و سفیدم

/lâlâ, lâlâ, benafše balge bidom/

لالا، لالا، بنفشه بلگ بیدم

/lâlâ, lâlâ, habibe me/

لالا، لالا، حبیب مه

/xodâ kerdât nasibe me/

خدا کردت نصیب مه

محمد قربان بلالی، ملایر، ۱۳۴۹

/lâlâ, lâlâye dor dar gouš/

لالا، لالای دُر در گوش

/marâ bâzâr baro befrouš/

مرا بازار برو بفروش

/lâlâ, lâlâ, louloučâhi/

لالا، لالا، لولو چاهی

/az ein bače çe mixâhi/

از این بچه چه می‌خواهی

/ke ein bače pedar dare/

که این بچه پدر داره

/do xanjar var kamar dare/

دو خنجر ور کمر داره

/lâlâ, lâlâ, gole lâle/

لالا، لالا، گل لاله

/deraxte sibe yeksâlê/

درخت سیب یکساله

/bâbâš rafte be oyâri/	باباش رفته به او یاری
/dame bileš talâkâri/	دم بیلش طلاکاری
/lâlâ, lâlâye firouze/	لالا، لالای فیروزه
/mehmoune yekrouze dorouze/	مهمون یک روزه دو روزه
/lâlâ, lâlâ, gole lâle/	لالا، لالا، گل لاله
/palang dar kouh minâle/	پلنگ در کوه می‌ناله
/na boz mixâ na bozqâlê/	نه بز می‌خوا نه بزغاله
/barâye dard minâle/	برای درد می‌ناله

عبدالعلی فریدونی، خرم آباد، ۱۳۴۹

/sare kouhe boland hey hey konam man/	سرکوه بلند هی هی کنم من
/tofange noqre râ parto konam man/	تفنگ نقره را پرتو کنم من
/tofange noqre oftâdo talâ šod/	تفنگ نقره افتاد و طلا شد
/xabar âmad ke yâram kadxodâ šod/	خبر آمد که یارم کدخدا شد
/do dastmâl por konam sibo golo nâr/	دو دستمال پرکنم سیب و گل و نار
/ke fardâ beferestam xedmate yâr/	که فردا بفرستم خدمت یار
/az einjâ tâ be ânjâ xili râhe/	از اینجا تا به آنجا خیلی راهه
/hame kouho kamar sange siâhe/	همه کوه و کمر سنگ سیاهه
/koloqaš varčīnam xâkeš bevizam/	کلوغش ورجینم خاکش بویزم
/sare râhe azizam gol berizam/	سر راه عزیزم گل بریزم

ولی محمد شهبسوازی، الیگودرز، ۱۳۴۶

/lâlâ, lâlâ, gole zire/	لالا، لالا، گل زیره
/delet bâ mâ nemigire/	دلت با ما نمی‌گیره
/lâlâ, lâlâ, gole nana/	لالا، لالا، گل نعنا
/âqât rafte xodâ hamrâ/	آقات رفته خدا همرا

/lâlâ, lâlâ, gole poune/	لالا، لالا، گل پونه
/âqât rafte delam xoune/	آقات رفته دلم خونه
/lâlâ, lâlâ, azize ma/	لالا، لالا، عزیز مه
/xodâ kerdet nasibe ma/	خدا کردت نصیب مه
/lâlâ, lâlâ, golam bâšî/	لالا، لالا، گلم باشی
/namiri bolbolam bâšî/	نمیری بلبلم باش

و یا

/do sar gale ye go dâram/	دوسر گله یه گو دارم
/do tâ čoupou de xeo dâram/	دو تا چوپو د خو دارم
/do sar gale ye miš dâram/	دو سر گله یه میش دارم
/do tâ čoupoune xiš dâram/	دو تا چوپون خویش دارم
/do sar gale ye asb dâram/	دو سر گله یه اسب دارم
/do ta čopoun kar dâram/	دوتا چوپون کر دارم
/do tâ čoupoune mas dâram/	دو تا چوپون مس دارم
/do sar gale ye xar dâram/	دو سر گله یه خر دارم
/lâlâ, lâlâ, habibe man/	لالا، لالا، حبیب من
/xodâ kerdet nasibe man/	خدا کردت نصیب من

محمدحسن فطرس، بروجرد، ۱۳۴۷

/lâlâ, lâey konam xâbet konam man/	لالا، لایی کنم خوابت کنم من
/mohamad gouyamo bidâret konam man/	محمد گویم و بیدارت کنم من
/šabân gerye konam rouzân bexandam/	شبان گریه کنم روزان بخندم
/mabâdâ došman befahme hâle dardam/	مبادا دشمن بفهمه حال دردم
/lâlâ, lâey dele me ey dele me/	لالا، لایی دل مه ای دل مه
/dele kâfer mabâ mesle dele me/	دل کافر مباح مثل دل مه

/deli dêram če minâye šekaste/	دلی دارم چه مینای شکسته
/qame âlam hame bar man nešaste/	غم عالم همه بر من نشسته
/na tab dêram na jânam mikone dard/	نه تب دارم نه جانم می‌کنه درد
/hamin dênam ke rangam mišavad zard/	همین دانم که رنگم می‌شود زرد

فتح‌اله مظفری، دلفان، ۱۳۵۱

/roula baxal xosakam/	روله بخل خوسکم
/roula hame kasakam/	روله همه کسکم
/roula azize delakam/	روله عزیز دلکم
/roula bâqe golakam/	روله باغ گلکم
/roula brâo bâakam/	روله برا و باوکم
/roula azize dêakam/	روله عزیز داوکم
/roula qazâte ve giânam/	روله قضاته و گیانم
/roula bi to namânam/	روله بی تو نمانم
/roula sarem sarat bexeri/	روله سَرم سرت بخری
/či hâlou ganem xari/	چی حالو گنم خری
/ar to novi yâ man mordyam/	ار تو نوی یا من مردیم
/či gangelâšak vâ bordyam/	چی گنگلاشک وا بردیم

حسن عباسی‌گراوند، کوه‌دشت، ۱۳۵۱

معنی:

بچه بغل خواب من

بچه همه کس من

بچه عزیز دلم

بچه باغ گل من

بچه برادر و پدرم

بچه عزیز مادرم
بچه بلات به جونم
بدون تو نمانم
بچه سرم به قربان سرت
مانند دایی گندم خر
اگر تو نبودی من مرده بودم
مانند یک بوته خشک باد مرا برده بود

/gole xâri, gole xâri lâlâey/
/gole piden, gole nâri lâlâey/
/gole bâdoum, gole bâdoum lâlâey/
/bokon šâdom, bokon šâdom lâlâey/
/gole tenges, gole tenges lâlâey/
/bavot rahde mene meiles lâlâey/
/lâlâ jounom ke jounet bibalâ bo/
/negahdâre šabo rouzet xodâ bo/
جواد قنبری، بروجن، ۱۳۵۵

گل خاری، گل خاری لالایی
گل پیدن، گل ناری لالایی
گل بادوم، گل بادوم لالایی
بکن شادم، بکن شادم لالایی
گل تنگس، گل تنگس لالایی
بووت رهد من میلس لالایی
لالا جونم که جونت بی‌بلا بو
نگهدار شب و روزت خدا بو

/lâlâ, lâlâ, gole lâle/
/palang az kouh kašid nâle/
/na gou xourdo na gousâle/
/joz az bače be gahvâre/
/lâlâ, lâlâ, gole gine/
/palang az kouh kašid sine/
/boxos jounom makon gerve/

لالا، لالا، گل لاله
پلنگ از کوه کشید ناله
نه گو خورد و نه گوساله
جز از بچه به گهواره
لالا، لالا، گل گینه
پلنگ از کوه کشید سینه
بخوس جانم مکن گروه

/bavot rafte barâye hime/	بوات رفته برای هیمه
/lâlâ, lâlâ, gole xašxâš/	لالا، لالا، گل خشخاش
/bova korem rahdak čârqâš/	بوو کرم رهدک چارقاش
/mione eile jahrâzi/	میون ایل جهرازی
/dota bare ovord hamrâš/	دوتا بره آورد همراش
/lâlâ, lâlâ, gole korsom/	لالا، لالا، گل کورسم
/nagou loulou mo eytarsom/	نگو لولو مو ایی ترسم
/agar esme xodâ gofti/	اگر اسم خدا گفتی
/na eytarsom na eylarsom/	نه ایی ترسم نا ایی لرسم
/lâlâ, lâlâ, gole gerdou/	لالا، لالا، گل گردو
/bova korem rahdak ordou/	بوو کرم رهدک اردو
/dota dandoun dar âvordi/	دو تا دندون در آوردی
/mobârak movârakeš bou/	مبارک موارکش بو
۱۳۵۷، لردگان، طهماسبی، جلیل	
/lâlâ, lâlâ, gole peste/	لالا، لالا، گل پسته
/bâbâš bâre safar baste/	باباش بار سفر بسته
/lâlâ, lâlâ, gole zire/	لالا، لالا، گل زیره
/bačam âroum nemigire/	بچهام آروم نمی‌گیره
/lâlâ, lâlâ, gole âlou/	لالا، لالا، گل آلو
/bačam mastasto xâbâlou/	بچهام مست است و خواب‌آلو
/lâlâ, lâlâ, gole xašxâš/	لالا، لالا، گل خشخاش
/bâbâš rafte xodâ hampâš/	باباش رفته خدا همپاش
/bačey koučikakoum lâlaš miâd/	بچه کوچیک‌کوم لالاش می‌آد
/be omid xodâ bâbâš miâd/	به امید خدا باباش می‌آد

/bačey koučikakoum rafte be bâzi/	بچه کوچیککوم رفته به بازی
/be pâye koučakeš benšaste xâri/	به پای کوچکش بنشسته خاری
/berid mahboube širâzi biârid/	برید محبوب شیرازی بیارید
/be maqâše talâ xâraš darârid/	به مقاش طلا خارش درآید
/boro loulouye sahrâey/	برو لولوی صحرائی
/to az roudom če mixâhi/	تو از رودم چه می‌خواهی
/ke roude man pedar dare/	که رود من پدر داره
/kalâmolah be bar dare/	کلام‌الله به بر داره
کرامت‌اله سرخوش، شیراز، ۱۳۴۶	
/lâlâ, lâlâ, gole râjouneye man/	لالا، لالا، گل راجونه من
/bekan kafšo biâ dar xouneye man/	بکن کفش و بیا در خونه من
/bekan kafšo biâ dar rouye qâli/	بکن کفش و بیا در روی قالی
/bede dastmâle dastet yâdegâri/	بده دستمال دستت یادگاری
/bede dasmâle dastet tâ bešouram/	بده دستمال دستت تا بشورم
/be âbe zamzamo sâboune lâri/	به آب زمزم و صابون لاری
فقیری شیرازی	
/lâlâ, lâlâ, gole râjouneye man/	لالا، لالا، گل راجونه من
/bekan kabšo biâ dar xouneye man/	بکن کفش و بیا در خونه من
/agar harf badi az man šenidi/	اگر حرف بدی از من شنیدی
/bekaš xanjar bezan dar sineye man/	بکش خنجر بزن در سینه من
/lâlâ, lâlâ, be sar dâri/	لالا، لالا، به سر داری
/hame xâban to bidâri/	همه خوابن تو بیداری
/lâlâ, lâlâ, gole poune/	لالا، لالا، گل پونه
/gedâ oumad dare xoune/	گدا اومد در خونه

/nounsê dâdam bades oume/	نوش دادم بدش اومه
/xodes rafto sages oume/	خودش رفت سگش اومه
/lâlâ, lâlâ, be sar taxte/	لالا، لالا، به سر تخته
/boboy roudom safar rafte/	بیوی رودم سفر رفته
/miâre kafše nârenji/	میاره کفش نارنجی
/be pâye roudom nemigonji/	به پای رودم نمی گنجی
/lâlâ, lâlâ, gole poune/	لالا، لالا، گل پونه
/šotor rixte be roudxone/	شتر ریخته به رودخونه
/čiçi bâre šotor bâše/	چی چی بار شتر باشه
/helo mixak vo râzoune/	هل و میخک و رازونه
/lâlâ, lâlâ, nane houri/	لالا، لالا، ننه حوری
/miâne bâqe angouri/	میان باغ انگوری
/geloum xoške to midouni/	گلوم خشکه تو می دونی
/bede yek xoše angouri/	بده یک خوشه انگوری
عباس قلی رحیمی، آباده، ۱۳۴۶	
/nane lâlâ, lâlâ, lâlâ, lâlâey/	ننه لالا، لالا، لالا، لالایی
/xodâ bar to bede omre derâzi/	خدا بر تو بده عمر درازی
/nane lâlât migom xâb mire roudom/	ننه لالات میگم خواب میره رودم
/be sarvaqte gole no mire roudom/	به سر وقت گل نو میره رودم
/bio nani boro homvar, homvar/	بیو ننی برو هموار، هموار
/ke ta roudom naše az xâb bidâr/	که تا رودم نشه از خواب بیدار
/bio nani boro az râhe douri/	بیو ننی برو از راه دوری
/ke ta roudom kone xâbe sabouri/	که تا رودم کنه خواب صبوری
/bio roude mani yâ roude mardom/	بیو رود منی یا رود مردم

/agar roude mani douret beggardom/	اگر رود منی دورت بگردم
/lalâyet migom o xâbet nemiat/	لالایت می‌گم و خوابت نمیات
/bozorget mikonom yâdet nemiat/	بزرگت می‌کنم یادت نمیات
/lalâyat migom dar sene piri/	لالایت می‌گم در سن پیری
/ke daste mâdare pîret begiri/	که دست مادر پیرت بگیری
/nane lâlât konom lâlât xouše roud/	ننه لالات کنم لالات خوشه رود
/tabo dardo qamet kouh mikaše roud/	تب و درد و غمت کوه می‌کشه رود
عبدالجبار فرامی، چهارم، ۱۳۴۹	
/lâlâ, lâlây, gole ahmad/	لالا، لالایی، گل احمد
/lâlâ, lâlây, gole bâqe mohamad/	لالا، لالایی، گل باغ محمد
/mohamad dar arab sardâre dine/	محمد در عرب سردار دینه
/mohamad noure rabolâlamine/	محمد نور رب العالمینه
/mohamad ke xodâ peyqambariș dâd/	محمد که خدا پیغمبریش داد
/çerâqe âsemân, šamee zamine/	چراغ آسمان، شمع زمینه
زیور سلمانی، داراب، بی تا	
/lâlâ, lâey, gole haftâd rangom/	لالا، لایی، گل هفتاد رنگم
/bozorget mikonom si rouze tangom/	بزرگت می‌کنم سی روز تنگم
/lâlâ, lâey, gole lâle azizom/	لالا، لایی، گل لاله عزیزم
/palang dar kouh minâle azizom/	پلنگ در کوه می‌ناله عزیزم
/na boz mixâd na bozqâle azizom/	نه بز می‌خواد نه بزغاله عزیزم
/barâye roud minâle azizom/	برای رود می‌ناله عزیزم
/lâlâ, lâey, deraxte âlbâlou/	لالا، لایی، درخت آلبالو
/lâlâ, lâey, qolâme šahre bânou/	لالا، لایی، غلام شهر بانو
/qolâme hazrate masoumeye qom/	غلام حضرت معصومه قم

/ziârat mikonim har sobho har šoum/ زیارت می‌کنیم هر صبح و هر شوم
 /lâlâyat mikonom xâbet nemiâd/ لالایت می‌کنم خوابت نمیداد
 /bozorget mikonom yâdet nemiâd/ بزرگت می‌کنم یادت نمیداد

گنجعلی دهقانی، مردودشت، ۱۳۴۸

/lâlâ, lâlây, lâyestoun/ لالا، لالای، لایستون
 /baraye korom qavâey bestoun/ برای کرم قوایی بستون
 /ke roukešeš katoun bâše/ که روکش کتون باشه
 /baraye šavây tavistoun/ برای شوای تاویستون
 /lâlâ, lâlâ, tako taqče/ لالا، لالا، تک و تاقچه

/hamân morqe labe bâqče/ همان مرغ لب باغچه
 /haman morqâ ke mixounan/ همان مرغای که می‌خونن
 /hamaš migan lâlây bače/ همش می‌گن لالای بچه
 /lâlâ, lâlâ, parijoušan/ لالا، لالا، پری جوشن

/ke šab târiko rouz rošan/ که شب تاریک و روز روشن
 /ke rošaniš barey bačam/ که روشنی‌اش بری بچه‌ام
 /va târikiš barey došman/ و تاریکی‌اش بری دشمن

عوض سلیمانی، نی‌ریز، ۱۳۴۸

/lâlâ, lâlâ, ke lâlâyat miâye/ لالا، لالا، که لالایت می‌آیه
 /amirolmomenin bâlâyat miâye/ امیرالمؤمنین بالایت می‌آیه
 /amirolmomenin dardom davâ kon/ امیرالمؤمنین دردم دوا کن
 /nasibo qesmatom dar karbalâ kon/ نصیب و قسمتتم در کربلا کن

حسین اکبریور، فسا، ۱۳۴۶

/mo lâlât mikonom ey roude jounim/ مو لالات می‌کنم ای رود جونیم

/mo lâlât mikonom ey gol bousounim/	مو لالات می‌کنم ای گل بوسونیم
/mo lâlât mikonom tâ zende bâši/	مو لالات می‌کنم تا زنده باشی
/qolâme hazrate masoume bâši/	غلام حضرت معصومه باشی
/mo lâlât mikonom ey roude nazi/	مو لالات می‌کنم ای رود نازی
/xodâ bâ to bede omre derâzi/	خدا با تو بده عمر درازی
/mo lâlât mikonom tâ bibalâ bo/	مو لالات می‌کنم تا بی بلابو
/negahdâre šabo rouzet xodâ bo/	نگهدار شب و روزت خدا بو
/mo lâlât mikonom ta mâh darâye/	مو لالات می‌کنم تا ماه در آیه
/ke bâbât safaran zoudi biâye/	که بابات سفرن زودی بیایه
/mo lâlât mikonom tâ mâh bešine/	مو لالات می‌کنم تا ماه بشینه
/ke mâdar dâqe farzandêš nabine/	که مادر داغ فرزنداش نبینه
/mo lâlât mikonom ey roude gorji/	مو لالات می‌کنم ای رود گرجی
/qado bâlây to miarze be molki/	قد و بالای تو می‌ارزه به ملکی
/mo lâlât mikonom lâlây hamiše/	مو لالات می‌کنم لالای همیشه
/palang az kouh benâle šir be biše/	پلنگ از کوه بناله شیر به بیشه
/mo lâlât mikonom ta to namiri/	مو لالات می‌کنم تا تو نمیری
/mo gotet mikonom katou nemiri/	مو گتت می‌کنم کتو نمی‌ری
/mo lâlât mikonom xâbet nemiât/	مو لالات می‌کنم خوابت نمی‌ات
/bozorget mikonom yâdet nemiât/	بزرگت می‌کنم یادت نمی‌ات

محمد مهدی مظلوم‌زاده، کازرون، ۱۳۵۲

/mo lâlât mikonom allâh xašet bo/	مو لالات می‌کنم الله خشت بو
/balâ dir az jamâle mahvašet bo/	بلا دیر از جمال مه‌وشت بو
/mo lâlât mikonom allâh karime/	مو لالات می‌کنم الله کریمه
/negahdâre šabo rouzet xodâye âlamine/	نگهدار شب و روزت خدای عالمینه

بی‌نام، تنگستان، بی‌تا

/di lâlâ, mo lâlât mikonom lâlây hamiše/	دی لالا، مو لالات می‌کنم لالای همیشه
/palang az kouh benâle šir ze biše/	پلنگ از کوه بناله شیر ز بیشه
/palang az kouh benâle darde dandoun/	پلنگ از کوه بناله درد دندون
/ke ta došman benâle darde češmoun/	که تا دشمن بناله درد چشمون
/mo lâlât mikonom xâbet nemia/	مو لالات می‌کنم خوابت نمیا
/bozorget mikonom yâdet nemia/	بزرگت می‌کنم یادت نمیا
شهناز امیرزاده فرد، دشتستان، ۱۳۷۳	
/mo lâlât eikonom xovet konom mo/	مو لالات ایکنم خوت کنم مو
/ali gofte ke sad sâlet konom mo/	علی گفته که صد سالت کنم مو
/mo lâlât eikonom ke lâlât bibalâ bo/	مو لالات ایکنم که لالات بی‌بلا بو
/negahdâre šabo rouzet xodâ bo/	نگهدار شب و روزت خدا بو
/gorgak bare sahrâye diri/	گرگک بر صحرای دیری
/tâ bačam kone ye xove siri/	تا بچام کنه یه خو سیری
/mo lâlât eikonom lâlây hamiše/	مو لالات ایکنم لالای همیشه
/palang az kouh benâle šir ze biše/	پلنگ از کوه بناله شیر ز بیشه
/sahar sonbol damido lâle sar zad/	سحر سنبل دمید و لاله سرزد
/šodambou xime bar kouio kamar zad/	شدمبو خیمه بر کوی و کمر زد
/dota čouqe sefidom rafte šoldoun/	دوتا چوقه سفیدم رفته شلدون
/sare raheš gerefte barqo bâroun/	سر راهش گرفته برق و بارون
/xodâyâ to bokon šartou vo lili/	خدایا تو بکن شرطو و لیلی
/ke šaiad gol ravad pâbouse reihoun/	که شاید گل رود پابوس ریحون
/sare češme mo didom čekme zardi/	سر چشمه مو دیدم چکمه زردی
/savâre mâdione lâjavardi/	سوار مادیون لاجوردی
/čenoun ke mizane qamčio tâzi/	چنون که میزنه قمچی و تازی

/labeš porxande vo abrouš be bâzi/

لبش پرخنده و ابروش به بازی

/mo lâlât eikonom lâlây hamiše/

مو لالات ایکنم لالای همیشه

/palang az kouh benâle šir ze biše/

پلنگ از کوه بناله شیر ز بیشه

ا...کرم، لیراوی، بندر دیلم، ۱۳۵۶

/bokon lâlâ, bokon jouné dele mo/

بکن لالا، بکن جون دل مو

/šomâle bâqe molâ manzele mo/

شمال باغ ملا منزل مو

/šomâle bâqe molâ naxlesounan/

شمال باغ ملا نخلسونان

/ke omre âdami âbe ravounan/

که عمر آدمی آب روونان

/mo lâlât mikonom šabhây zemesoun/

مو لالات می‌کنم شب‌های زمسون

/ke roudom koučekin, mivey golesoun/

که رودم کوچکین، میوه گلسون

/mo lâlât mikonom roudom barârom/

مو لالات می‌کنم رودم برارم

/be omide dele parvardegârom/

به امید دل پروردگارم

/mo lâlât mikonom tâ to bemouni/

مو لالات می‌کنم تا تو بمونی

/beri dar maktabo qorân bexouni/

بری در مکتب و قرآن بخونی

/mo lâlât mikonom tâ zende bâši/

مو لالات می‌کنم تا زنده باشی

/kanize hazrate masoume bâši/

کنیز حضرت معصومه باشی

/sare kouhe boland ney mizanom ney/

سر کوه بلند نی می‌زنم نی

/šotor gom kardamo pey mizanom pey/

شتر گم کردم و پی می‌زنم پی

/šotor gom kardamo bâ bâre kâši/

شتر گم کردم و با بار کاشی

/goli gom kardamo šaiad to bâši/

گلی گم کردم و شاید تو باشی

شروسرایی در جنوب ایران، صص ۳۱-۳۲، بی تا

/šo oume entezâre rouz dârom/

شو او مه انتظار روز دارم

/ke rouz âye be šo omidvârom/

که روز آیه به شو امیدوارم

/na šo xo vo na rouz âroum dârom/

نه شو خو و نه روز آروم دارم

/xodâya key šave anjâme kârom/	خدایا کی شو انجام کارم
/šabe târe xodâya mâh benmâ/	شب تار خدایا ماه بنما
/biâboun moftalâyom râh benmâ/	بیابون مفتلایم راه بنما
/biâboun moftalâyam goušey del/	بیابون مفتلایم گوشه دل
/xodâyâ râh benmâ, çâh benmâ/	خدایا راه بنما، چاه بنما
/sare kouye boland visâde vidom/	سر کوی بلند و بساده ویدم
/gole sorxo sefidi kâšte vidom/	گل سرخ و سفیدی کاشته ویدم
/gole sorxo sefid az ham jodâ šod/	گل سرخ و سفید از هم جدا شد
/xabar âmad ke yârom kadxodâ šod/	خبر آمد که یارم کدخدا شد
/setâre âsemon range to dâre/	ستاره آسمون رنگ تو داره
/če mâhi dar yaman jange to dâre/	چه ماهی در یمن جنگ تو داره
/nabâthaey ke dar bâzâre mesre/	نبات‌هایی که در بازار مصره
/sebâhat bâ lâbe qande to dâre/	شبهات با لب قند تو داره
بی‌نام، بندر دیلم، بی‌تا	
/âhou bara eka bar madâšt marâ/	آهو برِ اِکه برِ مداشت مرا
/ati šod eka dast namedâšt marâ/	آتی شد اکه دست نمداشت مرا
/tara xâva meno bamox/	تر خاوه من بمخت
/šira gâva meno bamox/	شیر گاوه من بمخت
/šira gâva ve mâgosi/	شیر گاوه و ماگسی

معنی:

فرزندم تو مانند یک بره پرورش یافته‌ای

حالا چرا شلوغ می‌کنی

ترا خواب می‌کنم

به خاطر شیر گاو

شیرینی که به زودی تمام می‌شود

/doxtara gavadâr marâ panda bede/ دختر گاودار مرا پند بده
/az moye derâz marâ kamarbanda bede/ از موی دراز مرا کمر بند بده
/kamarbande čakono kamarbanda bârika/ کمر بند چکن و کمر بند باریک
/čel bosa zano daroune del târika/ چل بس زن درون دل تاریک

معنی:

ای دختر گاودار به من پند بده
از موی دراز به من کمر بند بده
این کمر بند باریک بافته خواهد شد

اگر چهل بوس هم بدهی هنوز دلم خرسند نخواهد شد

یعقوب دهمرده، زابل، ۱۳۵۷

/allâh li lalou lilâ bou/ الله لی لولو لی لا بو
/lilo man hamoug bânâ bou/ لیلو من هموگ بانا بو
/douz ve dožmanet olâda/ دوز و دژ منت اولاده

معنی:

ای خدا لالایی باشد
لالایی در هر منزلی باشد
دوست و دشمن اولاد داشته باشند

/elâ lâhi kanam tâ pir bou/ الا لاهی کنم تا پیر بو
/pir bo mâdaret dasgir bou/ پیر بو مادرت دسگیر بو
/paset pirit âsâ bou/ پس پیریت عاصا بو

معنی:

لالایی می‌گویم تا پیر شوی
پیر شوی و از مادرت دستگیری کنی
عصای پیری پدرت باشی

/gole jân ti petet mirâsi/

گل جان تی پتت میراثی

/zahme šântenou bour tahti/

زحم شانتنو بور تحتی

/čâr râh sare nân vâten/

چار راه سر نان وائین

معنی:

گلی جان از پدرش ارث برده است
شجاع است و اسب‌سواری می‌کند
سر چهار راه به مردم نان می‌دهد.

عطا شیرآزاده، سراوان، ۱۳۵۱

/lây lây čâlâm oujâdân/

لای لای چالام اوجادان

/soun galar bâjâdân/

سون گلر باجادان

/târi sani sâxlâsin/

تاری سنی ساخالسین

/čičakdan gizil jâdân/

چیچکدان قیزل جادان

معنی:

برایت لالایی با صدای بلند می‌گویم
صدا از روزنه‌ها می‌آید
خدا ترا نگهدارد
از آبله و سرخک

/lây lây, čâlâm yâtârsân/

لای لای، چالام یاتارسان

/gizil gouloum bâtârsân/

قیزل گول باتارسان

/gizil goulon eič inda/

قیزل گولون ایچ اینده

/birja youxi tâpârsân/

بیرج یوخی تاپارسان

معنی:

لالایی می‌گویم تا خوابت ببرد

و در درون گل سرخ فرو بروی

در میان گل‌های سرخ

خوابی پیدا می‌کنی

/lâlâey, lâlâey, golom bouey/

لالایی، لالایی، گلم بویی

/qolome hazrate masume bouey/

غلم حضرت معصومه بویی

/lâlâey, lâlâey, gole žira/

لالایی، لالایی، گل ژیره

/holouš rata zan beira/

هُولوش رته زن بییره

/ela, ela bekonim kêreš sar beire/

اله، اله بکنیم کارش سرد بییره

محمدعلی پدر، اندیمشک، ۱۳۵۱

/gole bâqe meni šâlâ bemouni/

گل باغ منی شالا بمونی

/be ešqe to mikonom bâqebouni/

به عشق تو می‌کنم باغبونی

/delom mixâd qoloume šâh bâšam/

دلَم می‌خواد غلوم شاه باشم

/če čarxoye mione čâh bâšam/

چه چرخوی میون چاه باشم

/delam mixâd ke soltounoam bexoune/

دلَم می‌خواد که سلطونم بخونه

/ke âsâre dar jeloye mâh bâše/

که آساره در جلوی ماه باشه

/xoš oumad qâsedi ke xabar biâre/

خوش اومد قاصدی که خبر بیار

/dele mâ a bande qam dar âre/

دل ما آ بندِ غم در آره

غلام امانی، بهبهان، ۱۳۵۱

/bio bâlâ bolandom naxori qam/

بیو بالا بلندم نخوری غم

/to rite bâ xodâ ko xâterat jam/

تو ریته با خدا که خاطرت جم

/to rita bâ xodâ ko šarti bebandim/

تو ریته با خدا که شرطی بیندیم

/baroun qorân ke xondiša damâdam/

براون قرآن که خوندیش دمامد

منوچهر شرف‌الدین، دزفول، ۱۳۶۶

/lây, lây, çâlâm yâtenjân/

لای، لای، چالام یا تنجان

/gizil goula bâtenjân/

قیزل گول باتنجان

/jânam dâ jân qâlmâz/

جانم دا جان قالماز

/san dâdemâ çâtenjan/

سن دادما چاتنجان

معنی:

لالایی می‌گویم تا موقع خوابت

تا هنگام فرو رفتن به گل سرخ

در جانم دیگر جانی نمی‌ماند

تا تو به دادم بررسی

/lây lâion qoušdân oulsoun/

لای لایون قشدان اولسون

/youxoun darvišdan oulsoun/

یوخون درویش دن اولسون

/oun eiky zargar geterem/

اون ایکی زرگر گتیرم

/bešgoun goumošdan oulsoun/

بشگون گومشدن اولسون

ایرج امیرخسروی، اردبیل، ۱۳۴۶

معنی:

پرنده‌ها برایت لالایی می‌گویند

درویش‌ها به تو خواب بدهند

برایت دوازده زرگری می‌آورم

تا گهواره‌ات را از نقره بسازند

/lây lây, diam yâtâsân/

لای لای، دیم یاتاسان

/gizil goula bâtâsân/

قیزل گول باتاسان

/gizil goula jarga voursoun/

قیزل گول جرگه ورسون

/ârâsin da yâtâsân/

آراسین د یاتاسان

معنی:

لالایی می‌گوییم که بخوابی
و در گل‌های سرخ فرو روی
گل‌های سرخ جمع بشوند
و تو در میان آنها بخوابی

شهرین سمندریور، زنجان، ۱۳۵۱

/dâq bâšmoundâ dour moušam/

داغ باشموندا دور موشام

/čouxđândo gouma mešam/

چوخذاندو گومه مشم

/qorân gater ând eaičem/

قرآن گتر آند ایچم

/man san dan doima moušam/

من سن دن دویم موشام

معنی:

بالای کوه ایستادم
خیلی وقت است که ترا ندیده‌ام
قرآن بیاور سوگند بخورم
که من از تو سیر نشده‌ام

/ketdem tehrân yolonâ/

کتدم تهران یولونا

/čexdem eida koulânâ/

چخدم ایده کولونا

/bir dasta sarbâz galar/

بیر دسته سرباز گلر

/hasan âqâdan kaqaz galar/

حسن آقا دن کاغذ گلر

معنی:

به راه تهران رفتم

بالای درخت سنجد رفتم

یک دسته سرباز می‌آید

از حسن آقا نامه می‌آید

محمد باقر رجبی، صائین قلعه، ۱۳۵۵

/lây lây, lâey si, galar/

لای لای، لایی، سی گلر

/yâtâr youxosi galar/

یاتار یوخوسی گلر

/ouzâx ouzâx youlârdân/

اوزاخ اوزاخ یولار دان

/bâlâmoun daeysi galar/

بالامون دایی سی گلر

معنی:

لالایی می‌گویم خوابش می‌آید

خوابش می‌آید اما نمی‌خوابد

از راه‌های دور دست

دایی فرزندم می‌آید

/lây lây bešigim lây lây/

لای لای بشیگیم لای لای

/evim ešigim lây lây/

اویم ائشیگیم لای لای

/san get širin yoxouyâ/

سن گت شیرین یوخویا

/čekim kešigin lây lây/

چکیم کئشیگین لای لای

معنی:

لای لای گهواره‌ام لای لای
لای لای خانه و زندگی‌ام لای لای
تو به خواب ناز و شیرین برو
و من کشیک ترا بکشم لای لای

/lâylâsi darin bâlâ/

لایلاسی درین بالا

/yoxou sou širin bâlâ/

یوخو سو شیرین بالا

/tâner yedân ahdi boudoir/

تانر یدان عهدیم بودور

/toyouno gordom bâlâ/

تویونو گوردوم بالا

معنی:

کودک ناز که لالایت سنگین است
خوابت شیرین است
با خدا عهد کرده‌ام که
عروسی تو را بینم

/âttibân totdoum sani/

آتیبان توتدوم سنی

/ajab otoudom sani/

عجب اوتدوم سنی

/omr ouzdoum jafâ čekdim/

عمر اوز دوم جفا چکیدم

/šokour boyoutdom sani/

شوکور بویوتدوم سنی

/bâlâm lây lây, âlây lây/

بالام لای لای، آلای لای

/gouloum lây lây, âlây lây/

گولوم لای لای، آلای لای

معنی :

تو را گرفتم

کمکت کردم

عمر کردم و جفا کشیدم

شکر که بزرگت کردم

بچه‌ام لای لای، آلالی لای

گلم لای لای، آلالی لای

ادبیات شفاهی مردم آذربایجان؛ صص ۷۸-۷۹، بی تا

/lây lây lâvam vanâza/

لای لای لاوم و نازه

/bâlešt žire sar raulam vapar qâza/

بالشت ژیر سر رولم و پر غازه

/lâva lâva mo lâvam valâta/

لاو لاو مو لاوم و لاته

/rohakam kešikči vadoure qelâta/

روحکم کشیک چی ودور قلاته

/lâva lâva nakon korim lâvata/

لاو لاو نکن کوریم لاوته

/qâva qâva nakon korim xâvata/

قاو قاو نکن کوریم خواوته

/roula to baka lây lây/

روله تو بکه لای لای

/ta ke xora varaya/

تا که خور وری

معنی:

لالایی، لالای، لالاییم به نازه

بالش زیرسر بچم از پر غازه

لالا لالایی ام برای توست

روحم کشیک در قلعه توست

لالایی نگویید کوچولویم لالایی می‌کند

سر و صدا نکنید کوچولویم می‌خوابد

بچه جان تو لالایی بکن

تا زمانی که خورشید بیرون بیاید

بتول محمد نظر، شاطرآباد کرمانشاه، بی تا

/lâlâ lâlâ, gole anâb rangam/

لالا لالا، گل‌اناب رنگم

/to hasti mounese rouzhaye tangam/

تو هستی مونس روزهای تنگم

/lâlâ lâlâ, delam yâde vatan kard/

لالا لالا، دلم یاد وطن کرد

/nemidânam vatan key yâde man kard/

نمی‌دانم وطن کی یاد من کرد

بتول میرزایی، اسلام‌آباد غرب، بی‌تا

نتیجه

بررسی لالایی‌های مناطق مختلف ایران که در این اثر انجام شده است نشان‌دهنده تنوع داده‌های مربوط به موضوع در کشور است، به گونه‌ای که لالایی‌های نواحی مختلف ضمن حفظ رابطه خود با ساختار شعر رسمی تا اندازه‌ای با تساهل بیشتر به موضوعاتی می‌پردازند که در فرهنگ عامیانه و در نزد مردم اهمیت داشته و دارند. استفاده از فرم‌ها و قالب‌هایی نظیر دوبیتی، مثنوی، متزادگونه‌ها، سه مضرابی‌ها و ... از جمله این قالب‌ها می‌باشند که با توجه به درجه نفوذ شعر رسمی از این مناطق از آنها استفاده می‌شده است؛ به گونه‌ای که برای مثال استفاده از قالب دوبیتی در مناطقی از کشور رایج است ولی در عین حال استفاده از این قالب در نواحی جنوبی کشور پیامد بیشتری دارد.

گذشته از بحث ساختار و قالب محتوای لالایی‌ها مناطق مختلف نشان‌دهنده نوعی پیوستگی معنادار میان فرهنگ قومی محیط طبیعی و اجتماعی و باورها و اعتقادات می‌باشد که به نوعی لالایی‌های مناطق مختلف را از هم متمایز می‌نماید و در عین حال مخرج مشترک فرهنگ‌های بومی و محلی را در قالب فرهنگ کلی جامعه ایرانی می‌توان در لالایی‌ها مشاهده کرد که وجوه مشترک لالایی‌های مناطق مختلف در عین تشخیص آنها قابل توجه می‌باشد؛ امری که به نظر می‌رسد تحت تأثیر عواملی نظیر بده‌بستان‌های فرهنگی، تجارت، سفر و ... قرار داشته و لالایی‌ها به عنوان ظرفی با گنجایش آن را در خود حفظ نموده‌اند.

منابع

- احمد پناهی، محمد، ۱۳۷۶، ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، سروش، اوجی، منصور، کتاب هفته، شماره ۱۳، ۱۳۷۶
- بابا چاهی، علی، شروه‌سرایی در جنوب ایران، مرکز فرهنگی هنری اقبال، ۱۳۶۸، روشن، ح، ادبیات شفاهی مردم آذربایجان، انتشارات دنیا، ۱۳۵۸.
- سادات اشکوری، کاظم، اشاره‌ای به مردم‌شناسی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۱، ۱۳۷۷.
- سرامی، قدمعلی، جستاری درباره لالایی‌ها، مجله پویش، کانون پرورش فکری، ۱۳۶۸.
- لوریمر، فرهنگ مردم، کرمان، مترجم: فریدون وهمن، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
- واعظ تقوی، محمد تقی، فرهنگ اصطلاحات مردم کرمان، ۱۳۵۷.
- مقدسی، صادق، لالایی کهن‌ترین زمزمه سحرانگیز مادر، مجله فرهنگ مردم، شماره ۲، ۱۳۷۷.
- میهن‌دوست، محسن، کله فریاد، نشر گل‌آذین، ۱۳۸۰.

فرهنگ یاران:

ذکایی، سودابه	اسکندری، حسین
رجبی، محمدباقر	اسماعیلی نژاد، زهرا
رحمت نژاد، ح	اصغری ورزند، ابوالقاسم
رحیم آبادی، محمد	اکبریور، حسین
رحیمی، عباسقلی	امانی، احمد
رستمی، تیمور	امانی، غلام
رضاپور، محمدامین	امیر خسروی، ایرج
ژرفی فر، حسین	امیرزاده فرد، شهناز
سرخوش، کرامت اله	امینایی، مجید
سروش نوقایی، محمد	ایران نژاد، نصرت اله
سعیدی، علی	باستانی، اشرف
سلیمانی، زیور	برآبادی، سید محمود
سلیمانی، عوض	بلایی، محمدقربان
سمندرپور، شهین	پروانه محولاتی، محمد
شرف الدین، منوچهر	تجزیه چی، محبوبه
شریعتی، علی اکبر	جلال کمالی، یداله
شهبابی، فاطمه	جلیلود، اسداله
شهبسواری، ولی محمد	حاجی باشی، خلیل
شهیدی زندی، ماهرخ	حبیب کاظمی، حبیب اله
شیرآزاده، عطا	حبیبی، سهیل

صالح فلاح، محمد	حسینی، علی
صانعی، احمدقلی	خالقی، مریم
صغری محلاتی، عباس	خرامی جهرمی، عبدالجبار
صفریان بنا، علی اکبر	داود، گیتی
صوفی زاده، پولاد	درخشان، احمد
ضرغامی، فروغ الزمان	دهقانی، گنجعلی
طهماسبی، خلیل	دهمرد، یعقوب
لیراوی، اله کرم	عباس گراوند، حسن
مافی، سوژان	علی پور، محمد
محفوظی، مسعود	فرنقی، اسماعیل
محمدنظر، بتول	فریدونی، عبدالعلی
محمدیان، عبدالله	فطرس، فتح اله
مصباحی، فرخ	فلاح یساولی، احمد
مظلوم زاده، محمد مهدی	قنبری، جواد
مقدس زاده، مسعود	فیضی، رقیه
مهدویان، عفت	قائم مقامی، سیدمجدالدین
مولایی، غلامرضا	قربانی، قربانعلی
میرزایی، بتول	کازرونی زند، عمار
نسیمی، حسین	کریمی فروتقه، محمد
نعمتی، عزت اله	گودآسیابی، علی
هلاکویی، محمود	لبافی، عباس

الفبای صوتی یا آوایی

أ	به جای	a
آ	"	â
ب	"	b
پ	"	p
ت + ط	"	t
س + ث + ص	"	s
ج	"	j
چ	"	č
خ	"	x
د	"	d
ر	"	r
ز + ذ + ض + ظ	"	z
ژ	"	ž
ش	"	š
ف	"	F
غ + ق	"	q
ک	"	K
گ	"	g و G
ل	"	l
م	"	m
ن	"	n
و	"	v
ح + ه	"	h
ی	"	y
أ	"	o
او	"	u
اِ کوتاه	"	e
ای (یی)	"	i
یی کشیده	"	Î